



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



پاسخ به پرسش‌هایی از تعیین

رحمت الله سبحانه و تعالی و مجتهد باقری



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# چراغ هدایت : پاسخ به پرسش‌های اربعین

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۷	چراغ هدایت : پاسخ به پرسش های اربعین
۷	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۲	فهرست
۱۴	دیباچه
۱۶	پرسش اول: اساس پیاده روی اربعین
۲۳	پرسش دوم: ثواب های متفاوت برای زیارت اربعین
۲۴	پرسش سوم: نقش اهل بیت علیهم السلام در زیارت اربعین
۲۵	پرسش چهارم: پیاده روی اربعین و خودآزاری!
۲۹	پرسش پنجم: تعداد زائران اربعین
۳۱	پرسش ششم: مشروعیت عزاداری
۳۸	پرسش هفتم: مشروعیت سینه زدن
۴۳	پرسش هشتم: نوحه گری در روایات
۴۷	پرسش نهم: عزاداری و بدعت
۵۳	پرسش دهم: عدم توانایی مزور
۵۸	پرسش یازدهم: نذر برای غیر خدا
۶۱	پرسش دوازدهم: حدیث ارتداد و روایت حضور جابر در اربعین
۶۲	پرسش سیزدهم: تاریخچه اربعین
۶۵	پرسش چهاردهم: مکان قبر امام حسین علیه السلام
۶۹	پرسش پانزدهم: اعتبار مقتل ابومخنف
۷۰	پرسش شانزدهم: اربعین و سنت نبوی
۷۳	پرسش هفدهم: بازنگشتن اسیران به کربلا
۷۵	پرسش هجدهم: اربعین و سیاست

۷۸	پرسش نوزدهم: اربعین و اهل سنت
۸۴	پرسش بیستم: هزینه های زیارت اربعین
۸۶	پرسش بیست و یکم: علت اختصاص اربعین به امام حسین علیه السلام
۸۸	پرسش بیست و دوم: پیاده روی و اغتنام فرصت
۹۲	کتابنامه
۱۰۰	درباره مرکز

## چراغ هدایت : پاسخ به پرسش های اربعین

### مشخصات کتاب

سرشناسه: ضیایی، رحمت الله، 1340 -

عنوان و نام پدیدآور: چراغ هدایت : پاسخ به پرسش های اربعین / رحمت الله ضیائی و مجتبی باقری؛ تهیه و تدوین پژوهشگرده حج و زیارت.

مشخصات نشر: تهران: نشر مشعر، 1395.

مشخصات ظاهری: 92 ص.؛ 21/5×14/5 س م.

شابک: 45000 : 5-708-540-964-978

وضعیت فهرست نویسی: فایا

یادداشت: کتابنامه: ص. [85] - 92؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: حسین بن علی (ع)، امام سوم، 4 - 61ق -- اربعین

Hosayn ibn Ali, Imam III, 625 - 680 -- Arba'in: موضوع

موضوع: حسین بن علی (ع)، امام سوم، 4 - 61ق -- سوگواری ها -- احادیث

Hosayn ibn Ali, Imam III, 625 - 680 -- Laments -- Hadiths: موضوع

موضوع: زیارت و زائران -- آداب و رسوم

Pilgrims and pilgrimages -- Manners and customs

شناسه افزوده: باقری، مجتبی، 1353 -

شناسه افزوده: حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت. پژوهشگرده حج و زیارت

Representative of the Supreme Leader in Hajj and Pilgrimage. Research Institute of Hajj and: شناسه افزوده

Pilgrimage

رده بندی کنگره: BP263/اص 9 چ 4 1395

رده بندی دیویی: 297/762

شماره کتابشناسی ملی: 4521237

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فاپا

ص: 1

**اشاره**







بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 4

پرسش اول: اساس پیاده روی اربعین 9

پرسش دوم: ثواب های متفاوت برای زیارت اربعین 16

پرسش سوم: نقش اهل بیت علیهم السلام در زیارت اربعین 17

پرسش چهارم: پیاده روی اربعین و خودآزاری! 18

پرسش پنجم: تعداد زائران اربعین 22

پرسش ششم: مشروعیت عزاداری 24

پرسش هفتم: مشروعیت سینه زدن 31

پرسش هشتم: نوحه گری در روایات 36

پرسش نهم: عزاداری و بدعت 40

پرسش دهم: عدم توانایی مزور 46

پرسش یازدهم: نذر برای غیر خدا 51

پرسش دوازدهم: حدیث ارتداد و روایت حضور جابر در اربعین 54

پرسش سیزدهم: تاریخچه اربعین 55

پرسش چهاردهم: مکان قبر امام حسین علیه السلام 58

پرسش پانزدهم: اعتبار مقتل ابومخنف 62

پرسش شانزدهم: اربعین و سنت نبوی 63

پرسش هفدهم: بازنگشتن اسیران به کربلا 66

پرسش هجدهم: اربعین و سیاست 68

پرسش نوزدهم: اربعین و اهل سنت 71

پرسش بیستم: هزینه های زیارت اربعین 77

پرسش بیست و یکم: علت اختصاص اربعین به امام حسین علیه السلام 79

پرسش بیست و دوم: پیاده روی و اغتنام فرصت 81

کتابنامه 85

ص: 6

جایگاه اربعین امام حسین علیه السلام از قدیم الایام میان شیعیان و در تقویم تاریخی وفاداران به امام حسین علیه السلام شناخته شده بوده است.

اهمیت اربعین حسینی علیه السلام به خاطر آن است که در این روز، یاد شهادت امام حسین علیه السلام زنده شد و پرچم پیام شهادت کربلا در این روز برافراشته گردید.

اگر اربعین نبود بنی امیه موفق می شدند یاد حسین علیه السلام و رشادت های اهل بیت و یارانش را از خاطره نسل بشر آن روز و اعصار بعد محو کنند.

با توجه به اهمیت یاد شده، حفاظت از این رویداد عظیم وظیفه همگانی و حفظ جایگاه آن در مقابله با انحراف ها و آسیب ها امری اجتناب ناپذیر است.

از این رو پیاده روی اربعین حسینی علیه السلام از نجف تا کربلا در سال های اخیر به فرهنگی جدانشدنی از سلوک شیعیان و آزادگان جهان تبدیل شده است و هر سال سیل جمعیت عاشقان حسینی علیه السلام از پیر و جوان و زن و مرد به سوی حرم سید و سالار آزادگان جهان رهسپار می شوند و

هر سال بر سیل این جمعیت مشتاق افزوده می شود.

از سوی دیگر دشمن نیز در طول تاریخ برای خنثاسازی این مراسم عظیم، برنامه های مختلفی مانند تخریب، تهدید و تحریف و... را در دستور کار خود قرار داده است و به خصوص در سال های اخیر برای رسیدن به اهداف شوم خود به حربه ای خطرناک تر روی آورده و آن ایجاد شبهه و تردید در اذهان و قلوب پاک درباره مراسم باشکوه اربعین حسینی علیه السلام است.

از این رو وظیفه همه فرهیختگان و اندیشوران جهان تشیع است که با تمام توان به مقابله علمی با این حربه ی خطرناک برخاسته و با پاسخ های متقن و محکم به سؤالات و شبهات در مورد این حماسه و حادثه بی نظیر، راه هر گونه تردید افکنی را سد کنند.

کتاب پیش رو با عنوان «چراغ هدایت». نوشته فضلالی ارجمند آقایان رحمت الله ضیائی و مجتبی باقری، به همین منظور نگاشته شده و به پرسش هایی پیرامون اربعین حسینی علیه السلام پاسخ می دهد.

امید است تلاش علمی این بزرگواران، موجب جلب رضایت الهی و مایه آگاهی و رشد بیشتر جامعه اسلامی شود.

انه ولی التوفیق

گروه کلام و معارف

پژوهشکده حج و زیارت

ص: 8

## پرسش اول: اساس پیاده روی اربعین

آیا پیاده روی اربعین، اساس و ریشه ای در اسلام دارد؟ دلایل مشروعیت آن چیست؟

پاسخ

زیارت اربعین با پای پیاده، از نگاه تاریخی، ریشه در زیارت صحابی بزرگ و گران قدر رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، جناب جابر بن عبدالله انصاری رحمه الله دارد. ایشان نخستین کسی بود که از مدینه به کربلا رفت و به زیارت امام حسین علیه السلام توفیق یافت. (1) همچنین سنت مقدس پیاده روی برای زیارت امام حسین علیه السلام، در روزگار امامان علیهم السلام وجود داشت. ائمه علیهم السلام می فرمودند: هر کس پیاده به زیارت امام حسین علیه السلام برود، پاداشی چنین، و هر کس سواره برود، پاداشی چنان خواهد داشت.

مرحوم حر عاملی در کتاب شریف «وسائل الشیعه»، بابتی با عنوان

ص: 9

---

1- . بشارة المصطفی لشيعة المرتضى، ص 75؛ بحار الانوار، ج 98، ص 334؛ ملاذ الاخيار فی فهم تهذيب الاخبار، ج 9، ص 302.



«بَابُ اسْتِجَابِ الْمَشَى إِلَى زِيَارَةِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَغَيْرِهِ» دارد. در این باب، هفت روایت در فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام با پای پیاده آورده است که اهمیت این گونه زیارت را می رساند. در اینجا به اختصار، چند نمونه از این بیانات نورانی را ذکر می کنیم:

در روایاتی از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمود:

شخصی که به زیارت قبر حسین بن علی علیه السلام می رود، پس زمانی که از خانواده اش جدا می شود، با اولین گامی که برمی دارد، تمام گناهانش آمرزیده می شود. سپس به ازای هر قدمی که برمی دارد، پیوسته تقدیس و تنزیه و پاک می شود، تا آنکه نزد حسین بن علی علیه السلام برسد. در این هنگام، خداوند با او بدین گونه مناجات می کند: «ای بنده من! از من بخواه، به تو می دهم؛ دعا کن، اجابت می کنم؛ درخواست کن، می بخشم؛ حاجت بخواه، روا می کنم».<sup>(1)</sup>

هر کس پیاده به زیارت قبر حسین علیه السلام برود، خداوند برای هر قدمی، هزار حسنه می نویسد و هزار گناه از او پاک می کند و رتبه اش هزار درجه بالا می رود. پس هرگاه به فرات رسیدی، غسل کن و کفش هایت را در آور و پابرهنه راه برو؛ به مانند عبد ذلیل، راه برو. پس وقتی به در حرم رسیدی، چهار بار تکبیر بگو و کمی

ص: 10

---

1- . کامل الزیارات، ص 153؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص 92؛ المزار الکبیر، ص 342؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 440؛ «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ الرَّجُلَ لَيَخْرُجُ إِلَى قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - فَلَهُ إِذَا خَرَجَ مِنْ أَهْلِهِ بِأَوَّلِ خُطْوَةٍ مَغْفِرَةٌ ذَنْبِهِ ثُمَّ لَمْ يَزَلْ يَقْدَسُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَتَّى يَأْتِيَهُ فَإِذَا آتَاهُ نَاجَاةُ اللَّهِ فَقَالَ عَبْدِي سَلْنِي أُعْطِكَ ادْعُنِي أُجِبْكَ...».

«هر آنکه در فرات غسل کند و سپس با پای پیاده به سوی مرقد حسین علیه السلام برود، به ازای هر قدمی که برمی دارد و بر زمین می گذارد، حجی مقبول با تمام اعمال و مناسک برای او خواهد بود». (2)

هر کس از خانه اش، به قصد زیارت حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام بیرون آید، اگر پیاده باشد، خداوند، برای هر گامش، حسنه ای را می نویسد و یک زشتکاری را از او می زداید؛ و چون به حرم حسین علیه السلام رسید، خداوند او را جزو رستگاران می نویسد؛ و چون زیارتش را به پایان برد، خداوند او را از رهایی یافتگان می نویسد؛ و چون بخواهد باز گردد، فرشته ای نزد او می آید و به او می گوید: «من، پیام آور خدایم. خداوند، به تو سلام می رساند و می فرماید: عمل، از سر گیر که گذشته ات، آمرزیده شد». (3)

ص: 11

1- . کامل الزیارات، ص 133؛ بحار الانوار، ج 98، ص 143؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 440؛ «مَنْ أَتَى الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامَ مَاشِيًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَمَحَا عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَرَفَعَ لَهُ أَلْفَ دَرَجَةٍ فَإِذَا أَتَيْتَ الْفُرَاتَ فَاغْتَسِلْ وَعَلِّقْ نَعْلَيْكَ وَامْشِ حَافِيًا وَامْشِ مَشْيَ الْعَبْدِ الدَّلِيلِ فَإِذَا أَتَيْتَ بَابَ الْحَائِرِ فَكَبِّرْ أَرْبَعًا...».

2- . کتاب المزار - مناسک المزار، ص 49؛ المزار الکبیر، ص 350؛ روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، ج 5، ص 379؛ الوافی، ج 14، ص 1481؛ ملاذ الاخیار فی فهم تهذیب الاخبار، ج 9، ص 129؛ بحار الانوار، ج 98، ص 147؛ تهذیب الاحکام، ج 6، ص 53؛ «مَنْ اغْتَسَلَ فِي الْفُرَاتِ ثُمَّ مَشَى إِلَى قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامَ كَانَ لَهُ بِكُلِّ قَدَمٍ يَرْفَعُهَا وَيَضَعُهَا حَجَّةً مُتَقَبَّلَةً بِمَنَاسِكِهَا».

3- . کتاب المزار - مناسک المزار، ص 30؛ جامع الاخبار، ص 25؛ کامل الزیارات، ص 132؛ تهذیب الاحکام، ج 6، ص 44؛ جامع الاخبار، ص 25؛ ملاذ الاخیار فی فهم تهذیب الاخبار، ج 9، ص 112؛ الوافی، ج 14، ص 1467؛ «مَنْ خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ يَرِيدُ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامَ، إِنْ كَانَ مَاشِيًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةً، وَحَطَّ بِهَا عَنْهُ سَيِّئَةٌ، حَتَّى إِذَا صَارَ بِالْحَائِرِ كَتَبَهُ اللَّهُ مِنَ الْمُفْلِحِينَ، وَإِذَا قَضَى مَنَاسِكَهُ كَتَبَهُ اللَّهُ مِنَ الْفَائِزِينَ، حَتَّى إِذَا أَرَادَ الْإِنْصِرَافَ أَتَاهُ مَلَكٌ، فَقَالَ لَهُ: أَنَا رَسُولُ اللَّهِ، رَبُّكَ يَقْرِئُكَ السَّلَامَ، وَيَقُولُ لَكَ: اسْتَأْنَفَ الْعَمَلَ، فَقَدْ غُفِرَ لَكَ مَا مَضَى».

در شریعت اسلام، مستحب بودن پیاده روی با پای برهنه یا بدون آن، نه تنها در مورد زیارت، در چند مورد دیگر نیز وارد شده است. از جمله درباره استحباب پیاده روی به سوی مساجد، از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: «کسی که به سوی یکی از مساجد پیاده حرکت کند، خداوند در مقابل هر گامی که در مسیر رفت و برگشت برمی دارد، به او ده حسنه پاداش می دهد، ده بدی از او دور می کند و وی را ده درجه بالا می برد» (1). موارد دیگر استحباب پیاده روی، عبارت اند از:

\* پیاده روی امام، هنگام رفتن به مصلا در نماز عید. (2)

\* پیاده روی برای حج و عمره. (3)

\* پیاده رفتن به رمی جمرات. (4)

\* پیاده رفتن به زیارت مؤمن. (5)

پیاده روی برای زیارت در آموزه های شیعه، برای کسانی که با منابع روایی آشنا هستند، پذیرفتنی است و هیچ تردیدی در ثواب های زیاد آن وجود ندارد. بی تردید یکی از مصداق های پیاده روی برای کسب ثواب، پیاده روی در ایام اربعین امام حسین علیه السلام است، که علمای بزرگ شیعه،

ص: 12

---

1- . اعلام الدین فی صفات المؤمنین، ص 423؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص 291؛ هداية الامة الى احكام الائمة عليهم السلام، ج 2، ص 175؛ وسائل الشیعه، ج 5، ص 201؛ «مَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ فَلَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ خَطَاَهَا حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَنْزِلِهِ عَشْرٌ حَسَنَاتٍ وَ مُجِىَ عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ وَ رُفِعَ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ».

2- . وسائل الشیعه، ج 7، ص 455.

3- . همان، ج 11، ص 79.

4- . همان، ج 14، ص 59.

5- . ثواب الاعمال، ص 293.

خود را ملزم به آن می دانستند، تا از ثواب بی شمار آن بهر مند شوند.

زید مجنون، فردی عالم، فاضل و ادیب بود که در مصر، اقامت داشت و در سال 237 ه. ق، با پای پیاده به قصد زیارت امام حسین علیه السلام، صحراها، بیابان ها، کوه ها و دره ها را پیمود، تا به کوفه رسید و با بهلول عالم، ملاقات کرد. آن دو به اتفاق هم، به قصد زیارت امام حسین علیه السلام، از کوفه بیرون شدند و به زیارت آن حضرت رفتند. (1)

شیخ مرتضی انصاری، از جمله احیاکنندگان سنت پیاده روی برای زیارت امام حسین علیه السلام بود. ایشان، پیاده از نجف به کربلا می آمد. میرزا حسین نوری، صاحب کتاب ارزشمند و فاخر «مستدرک الوسائل»، در عید قربان هر سال، با پای پیاده به کربلا می آمد. سید بحر العلوم، در دسته عزایی که پیاده به کربلا می آمدند، حضوری پررنگ داشت. شیخ جعفر کاشف الغطاء، در یکی از پیاده روی هایش به کربلا، به حضور ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، شرف یاب شد و حضرت، ایشان را به سینه خویش چسباند و فرمود: «خوش آمدی ای زنده کننده شریعت ما». آیت الله مرعشی نجفی، بیست بار پیاده به همراه تعدادی از طلاب، که همه از مراجع و بزرگان شدند، به کربلا مشرف شد. (2)

دلیل دیگر بر اهمیت و ثواب پیاده روی زیارت اربعین حسینی، روایتی از نبی اکرم صلی الله علیه و آله است که فرمود: «افضل الاعمال احمزها». (3) پیام حدیث

ص: 13

- 
- 1- . بحار الانوار، ج 45، ص 404.
  - 2- . مجموعه مقالات اربعین حسینی، ج 2، ص 78.
  - 3- . مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر)، ج 2، ص 431؛ مفتاح الفلاح فی عمل الیوم و اللیلة من الواجبات و المستحبات، ص 45؛ منهاج النجاح فی ترجمة مفتاح الفلاح، ص 73؛ روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 41.

شریف این است که وقتی کاری عبادت باشد، هرچه سخت تر و با رنج بیشتر انجام شود، ارزش و فضیلت بیشتری خواهد داشت. (1) زیارت امام حسین علیه السلام، اگر واجب نباشد، مستحب است. بنابراین هرچه با رنج و مشقت بیشتر توأم باشد، مسافت بیشتری طی شود و اوضاع امنیتی، خطرناک تر باشد، اجر و پاداش بیشتری خواهد داشت.

از دلایل دیگر بر فضیلت پیاده روی زیارت اربعین، حدیث شریف نبوی است که همه عبادات و اعمال بندگان خوب خداوند را در بر می گیرد و استحباب مسئله مورد بحث نیز به خوبی از آن استفاده می شود، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ إِغْبَرَتْ قَدَمَاهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَرَّمَهَا عَلَيَّ النَّارُ»؛ (2) «هر کس قدم هایش در راه خداوند عزوجل، غبارآلود شود، خداوند آتش را بر وی حرام می کند».

این حدیث شریف، در منابع روایی شیعه (3) و اهل سنت (4) آمده است و از آن، می توان بر پیاده رفتن در امور عبادی، از جمله زیارت امام حسین علیه السلام استدلال کرد. افزون بر اینها، در روایات آمده است که امام حسن علیه السلام، برای زیارت حج، 25 بار پیاده سفر کرد؛ درحالی که مرکب در اختیار داشت. حاکم نیشابوری، محدث بزرگ اهل سنت، از عبدالله بن عبید، این گونه روایت کرده است: «حسن بن علی علیه السلام، 25 سفر پیاده به

ص: 14

---

1- . مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر)، ج 2، ص 431؛ مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، ج 14، ص 32؛ بحار الانوار، ج 78، ص 367.

2- . الدر المنثور، ج 1، ص 591.

3- . بحار الانوار، ج 78، ص 368.

4- . صحیح البخاری، ج 2، ص 7؛ مسند الامام احمد بن حنبل، ج 23، ص 205؛ معالم التنزیل فی تفسیر القرآن (تفسیر البغوی)، ج 4، ص 110؛ الجامع لاحکام القرآن (تفسیر القرطبی)، ج 18، ص 102.

حج رفت. مرکب های راهوار او را، بدون سوار همراهش می کشیدند».(1) نظیر این روایت را ابن جوزی،(2) احمد بن علی الجصاص،(3) ابو عبدالله فاکهی،(4) ابوبکر بیهقی،(5) سلیمان بن احمد طبرانی،(6) و بسیاری دیگر از محدثان اهل سنت نقل کرده اند.

سنت پیاده روی برای زیارت در بین انبیاء گذشته نیز، رایج بود. در روایات آمده است که حضرت آدم علیه السلام، چهل بار پیاده حج به جا آورد.(7) در برخی روایات، رقم هفتاد بار ذکر شده است.(8) ابن عباس، صحابی معروف، از اینکه نتوانسته بود در جوانی، با پای پیاده حج به جا آورد، بسیار پشیمان بود و افسوس می خورد.(9) از وی روایت شده است که می گفت:

پشیمان نشدم به چیزی که اتفاق افتاد، مگر به اینکه پیاده به سمت خانه خدا نرفتم؛ چون از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «هر کس با پای پیاده حج به جا آورد، خداوند برای او، ثواب هفتاد هزار

ص: 15

- 
- 1- . البداية و النهایه، ج 8، ص 226؛ مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج 9، ص 201؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 185؛ «لَقَدْ حَجَّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ خَمْسًا وَعِشْرِينَ حَجَّةً مَاشِيًا، وَإِنَّ النَّجَائِبَ لَتَقَادُ مَعَهُ».
  - 2- . زاد المسیر فی علم التفسیر، ج 3، ص 233.
  - 3- . احکام القرآن، ج 5، ص 65.
  - 4- . اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، ج 1، ص 394.
  - 5- . السنن الکبری، ج 4، ص 542.
  - 6- . المعجم الکبیر، ج 3، ص 315.
  - 7- . تفسیر القرآن، ج 3، ص 434.
  - 8- . الدر المنثور، ج 1، ص 314.
  - 9- . السنن الکبری، ج 4، ص 502؛ اتحاف الخیرة المهرة بزوائد المسانید العشر، ج 3، ص 351؛ سیر اعلام النبلاء، ج 4، ص 336؛ مختصر تاریخ دمشق، ج 7، ص 23.

ثوابی که در خانه خودش انجام شده است، می نویسد». کسی پرسید: «ثواب کارهای خوب در خانه خدا چقدر است؟». حضرت فرمود: «هفت میلیون حسنه به حساب می آید». سپس فرمود: «ثواب حج پیاده بر سواره، مثل نور ماه کامل در آسمان است نسبت به بقیه ستارگان». امام حسین علیه السلام نیز پیاده به حج می رفت، در حالی که مرکب ایشان، در پشت سر حرکت می کرد. (1)

## پرسش دوم: ثواب های متفاوت برای زیارت اربعین

چرا در روایات، ثواب های متفاوتی برای زیارت اربعین امام حسین علیه السلام بیان شده است؟

پاسخ:

می دانیم که هر عمل، با توجه به اینکه در چه زمانی، چه مکانی، چه شرایطی، از سوی چه کسی، با چه هدفی و با چه میزان بصیرتی انجام گیرد، ارزش هایی متفاوت و تأثیراتی مختلف پیدا می کند. مرحوم علامه مجلسی، در بیان رمز این اختلاف پاداش ها و گوناگونی تعبیرها در ثواب آن، می گوید:

شاید اختلاف این اخبار، در اندازه ارزش، فضیلت و ثواب زیارت را بتوان بر اختلاف اشخاص و عمل ها و نیز، کم و زیادی ترس در راه

ص: 16

---

1- . وسائل الشیعه، ج 11، ص 81؛ المحاسن، ص 70؛ «امام باقر علیه السلام قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ مَا نَدِمْتُ عَلَى شَيْءٍ صَنَعْتُ نَدَمِي عَلَى أَنْ لَمْ أَحِجَّ مَا شِئْتُ - لِأَنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ مَنْ حَجَّ بَيْتَ اللَّهِ مَا شِئْتُ يَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ سَبْعَةَ آلَافٍ حَسَنَةٍ مِنْ حَسَنَاتِ الْحَرَمِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا حَسَنَاتُ الْحَرَمِ قَالَ حَسَنَةٌ أَلْفِ حَسَنَةٍ وَقَالَ فَضْلُ الْمَشَاةِ فِي الْحَجِّ كَفَضْلِ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ عَلَى سَائِرِ النُّجُومِ وَكَانَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَمْشِي إِلَى الْحَجِّ وَدَابَّتُهُ تَقَادُ وَرَاءَهُ».

زیارت، یا دوری و نزدیکی مسافت و... حمل کرد؛ زیرا هر عمل نیکی، نسبت به اختلاف مراتب اخلاص، شناخت، تقوا و دیگر شرایطی که موجب کمال يك عمل است، دارای ثواب و ارزش های متفاوت می شود. علاوه بر اینکه در بسیاری از احادیث، امامان، طبق درك، شعور، اندازه ایمان، ظرفیت و گنجایش فکری طرف، سخن می گفتند. (1)

آنچه مسلم است، زیارت کربلا، همیشه آزاد نبوده، و همواره با گرفتاری ها و محدودیت هایی همراه بوده است. در نتیجه اگر ثواب های متفاوت برای آن بیان شده است، می تواند به این دلیل نیز باشد.

### پرسش سوم: نقش اهل بیت علیهم السلام در زیارت اربعین

آیا خود اهل بیت در ایجاد و استمرار زیارت اربعین، نقشی داشته اند؟

پاسخ:

بر اساس برخی روایات، اولین کسانی که در اربعین اول به زیارت امام حسین علیه السلام رفتند، امام سجاد علیه السلام و خاندان امام حسین علیه السلام بودند. آنان پس از اسارت و برگشت از سفر شام، مصادف با اربعین شهادت امام حسین علیه السلام و دیگر شهدا، به کربلا رسیدند و از همان ابتدا، اهمیت زیارت اربعین امام حسین علیه السلام را تأیید و تأکید کردند. (2) همچنین در این خصوص،

ص: 17

---

1- . بحارالانوار، ج 98، ص 44؛ «بیان: لعل اختلافات هذه الأخبار فی قدر الفضل و الثواب محمولة علی اختلاف الأشخاص و الأعمال و قلة الخوف و المسافة و كثرتهم فإن كل عمل من أعمال الخیر یختلف ثوابها باختلاف مراتب الإخلاص و المعرفة و التقوی و سائر الشرائط التي توجب كمال العمل علی أنه یظهر من كثير من الأخبار أنهم كانوا یراعون أحوال السائل فی ضعف إيمانه و قوته لئلا یصیر سبباً لإنكاره و كفره و أنهم كانوا یكلمون الناس علی قدر عقولهم».

2- . بحارالانوار، ج 98، ص 334.



روایتی از امام حسن عسکری علیه السلام وارد شده است که در آن، زیارت اربعین امام حسین علیه السلام، هم ردیف نمازهای یومیه، از نشانه های مؤمن شمرده شده است. (1)

امام صادق علیه السلام نیز زیارت اربعین را به صفوان بن مهران جمال، تعلیم داد، که در آن، به بزرگداشت اربعین تصریح شده است. (2) بنابراین زیارت اربعین، از جمله زیارت هایی است که از سوی امامان معصوم علیهم السلام، پایه گذاری شد و آنان همواره بر اهمیت آن، تأکید می کردند. از این جهت، زیارت اربعین امام حسین علیه السلام، از ثواب فراوانی برخوردار است و کمتر زیارتی است که به اندازه زیارت اربعین امام حسین علیه السلام، از ثواب و فضیلت برخوردار باشد.

### پرسش چهارم: پیاده روی اربعین و خودآزاری!

آیا پیاده روی اربعین، خودآزاری نیست؟ با توجه به اینکه پیاده روی موجب خودآزاری و مشقت است، آیا پیاده روی اربعین، از نظر اسلام، مشروع است؟

پاسخ:

در این شبهه، ادعا شده است که پیاده روی اربعین، يك نوع خودآزاری است و خودآزاری، در اسلام ممنوع است. از این رو خداوند متعال، راضی به این عمل نیست!

ص: 18

---

1- . مصباح المتهدّج و سلاح المتعبّد، ج 2، ص 787؛ کتاب المزار - مناسك المزار، ص 54؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 478؛ بحار الانوار، ج 82، ص 76.

2- . مصباح المتهدّج، صص 788-789.

در پاسخ به این ادعا، باید گفت که ضرر بر دو نوع است:

1. ضرری که موجب مرگ، قطع عضو و امثال آن شود؛

2. ضرری که تا این حد نیست، گرچه اندکی سختی و رنج داشته باشد.

بی گمان پیاده روی برای زیارت امام حسین علیه السلام، از نوع اول نیست، بلکه اگر ضرری هم باشد، از نوع دوم است، که همراه با مشقت و رنجی اندک است؛ اما این رنج اندک، با منافع فراوانی که از این ناحیه نصیب مؤمنان می شود، قیاس شدنی نیست. بی شک این راهپیمایی بزرگ، افزون بر جنبه معنوی، سبب نشاط، تحرك و طراوت در انسان می شود.

اگر اندکی دقت شود، تمام اعمال عبادی که از سوی خداوند تبارك و تعالی بر انسان امر شده است، همراه با يك نوع مشقت و سختی است و هیچ چیز بدون تحمل رنج به دست نمی آید. آیا روزه گرفتن در تابستان برای يك کشاورز، بدون رنج است؟ یا شخصی که به حد استطاعت رسید و باید مسافت های طولانی را برای به جا آوردن حج طی کند و سختی طاقت فرسای این مسیر را تحمل کند، خودآزاری می کند؟

در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم \*\*\* سرزنش ها گر کند خار مگیلان غم مغور(1)

همچنین یکی از واجبات در اسلام، جهاد با دشمن است، که سختی های طاقت فرسایی دارد و هر کس تحمل آن را ندارد؛ زیرا همراه با گرسنگی، تشنگی، بی خوابی، زخمی شدن و کشته شدن است. جای شکی نیست که هر لحظه ممکن است شخص مجاهد، در راه خدا با

ص: 19

این آسیب ها گرفتار شود، ولی ثواب و پاداشی را که خداوند برای این عمل بیان کرده، آن قدر بزرگ است که این ضررها، در برابر آن به حساب نمی آید.

در روایتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ أَحْمَرُهَا»؛<sup>(1)</sup> «برترین عمل ها، سخت ترین آنهاست». از ویژگی های امام علی علیه السلام، این بود که اگر می خواست عبادتی انجام دهد و آن عبادت مراتبی داشت، حضرت سخت ترین مرتبه را انتخاب می کرد. از این رو می توان به این نکته مهم پی برد که آن پاداشی که در عبادت همراه با سختی ها هست، در عبادت همراه با رفاه و زیارت با آسایش نیست.

بی شك یکی از زیارت های سخت و دشوار، زیارت اربعین امام حسین علیه السلام، با پای پیاده است، که مردم با پای پیاده، از نقاط مختلف و از کشورهای گوناگون، به زیارت امام حسین علیه السلام می شتابند. میلیون ها انسان، برای شرکت در این حرکت عظیم، سر از پانمی شناسند. البته این عمل بزرگ، مستند به روایات ائمه اهل بیت علیهم السلام است، همان اهل بیته که در روایت متواتر ثقلین، عدل قرآن خوانده شده اند.<sup>(2)</sup>

ص: 20

- 
- 1- . روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، ج 1، ص 443؛ مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر)، ج 2، ص 431.
  - 2- . المسند الصحیح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلی الله علیه و آله، ج 4، ص 1873؛ مسند ابن ابی شیبہ، ج 1، ص 351؛ مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر)، ج 8، ص 311؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، ج 11، ص 196؛ السنن الکبری، ج 7، ص 48؛ مختصر تاریخ دمشق، ج 9، ص 106؛ سیر اعلام النبلاء، ج 8، ص 101؛ المعجم الکبیر، ج 3، ص 66؛ مسند الامام احمد بن حنبل، ج 17، ص 170.

علی بن میمون صائغ، از حضرت امام صادق علیه السلام نقل کرد که آن حضرت فرمود: «ای علی! قبر حسین علیه السلام را زیارت کن و ترك نکن». عرض کردم: «ثواب کسی که آن حضرت را زیارت کند چیست؟». حضرت فرمود: «کسی که آن حضرت را پیاده زیارت کند، خداوند برای هر قدمی که برمی دارد، یک حسنه می نویسد، یک گناه از او محو می کند و یک درجه، مرتبه اش را بالا می برد. وقتی به زیارت رفت، حق تعالی دو فرشته را موکل او می کند که آنچه خیر از دهان او خارج می شود، بنویسند و آنچه شر و بد است، ننویسند. وقتی برگشت، با او وداع می کنند و به وی می گویند: ای ولی خدا! گناهانت آمرزیده شد. تو از افراد حزب خدا و حزب رسول او و حزب اهل بیت رسولش هستی. به خدا سوگند! هرگز تو آتش را به چشم نخواهی دید و آتش نیز هرگز تو را نخواهد دید و تو را طعمه خود نخواهد کرد».(1)

بنابراین اگرچه پیاده روی بزرگ اربعین، همراه با رنج و مشقت است، ولی زائر در این راه، هر گامی که برمی دارد، یک حسنه برایش نوشته و یک گناه از او محو می شود. بدیهی است که مقدار رنج و مشقت اندک، در برابر این همه برکت، بسیار ناچیز است.

ص: 21

---

1- . کامل الزیارات، صص 133 و 134؛ بحارالانوار، ج 98، ص 25؛ «عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَيْمُونِ الصَّائِغِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ 7 قَالَ: يَا عَلِيُّ زُرِ الْحُسَيْنَ وَلَا تَدَعُهُ قَالَ قُلْتُ مَا لِمَنْ أَتَاهُ مِنَ الثَّوَابِ قَالَ مَنْ أَتَاهُ مَا شِئياً كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةً وَ مَحَى عَنْهُ سَيِّئَةً وَ رَفَعَ لَهُ دَرَجَةً فَإِذَا أَتَاهُ وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ مَلَكَئِينَ يَكْتَبَانِ مَا خَرَجَ مِنْ فِيهِ مِنْ خَيْرٍ وَ لَا يَكْتَبَانِ مَا يَخْرُجُ مِنْ فِيهِ مِنْ شَرٍّ وَ لَا غَيْرَ ذَلِكَ إِذَا انْصَرَفَ وَ دَعَا لَهُ وَ قَالُوا يَا وَلِيَّ اللَّهِ مَغْفُوراً لَكَ أَنْتَ مِنْ حِزْبِ اللَّهِ وَ حِزْبِ رَسُولِهِ وَ حِزْبِ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِهِ وَ اللَّهُ لَا تَرَى النَّارَ بِعَيْنِكَ أَبَداً وَ لَا تَرَكَ وَ لَا تَطْعَمُكَ أَبَداً».

آیا شهر کربلا، گنجایش این حجم از جمعیت (بیست میلیونی) را دارد؟

پاسخ

بدیهی است که شهر کربلا، در حال حاضر گنجایش يك باره جمعیت بیست میلیون زائر را ندارد و کسی نیز چنین ادعایی نکرده است، بلکه آنچه مورد ادعای رسانه هاست، تعداد تخمینی زائران زیارت اربعین، در يك بازه زمانی خاص است، که از اوائل ماه صفر تا بیست و یکم صفر را، در بر می گیرد. زیارت در این بازه زمانی، به طور متناوب صورت می گیرد و خبرگزاری ها، بر اساس مشاهده های خویش، آن را در حدود بیست میلیون برآورد کرده اند. این ادعا دور از واقعیت نیست؛ زیرا تمام این جمعیت، يك باره وارد شهر کربلا نمی شود بلکه به ترتیب، وارد می شوند و پس از زیارت و اجرای مراسم عزاداری، به سرعت از کربلا خارج می شوند، تا امکان ورود عزاداران دیگر نیز فراهم شود.

اگر در این مدت زمانی خاص، جاده هشتاد کیلومتری نجف تا کربلا و همین طور جاده های دیگر منتهی به کربلا را، که مملو از جمعیت در حال حرکت هستند، در نظر بگیریم، پذیرش تعداد بیست میلیون زائر، دور از واقعیت نخواهد بود. دولت عراق نیز تعداد کل جمعیت زائر در سال 1393 ه. ش را بیست میلیون اعلام کرد.<sup>(1)</sup> برخی روزنامه های خارجی نیز همین تعداد را بیان کردند.

روزنامه هافینگتون پست در مقاله ای با عنوان «بزرگ ترین حرکت

ص: 22

زائرانه جهان در جریان است، اما شما هرگز چیزی از آن نشنیده اید!» به زیارت اربعین حسینی و پیاده روی میلیون ها زائر به سوی کربلای معلی پرداخت. نویسنده در این مقاله، امام حسین علیه السلام را نماد فراگیر، بی حد و مرز و فرامذهبی از آزادی و مهربانی معرفی کرد و به تشریح این پیاده روی عظیم پرداخت. این مقاله، جمعیت زائران را پنج برابر زائران حج خواند و آن را بسیار برجسته تر از آیین پرجمعیت هندوها، کومبه ملا دانست. در ادامه، این مقاله به ویژگی های خاص زیارت اربعین حسینی، از جمله برگزاری آن در موقعیت های خطرناک و تهدیدات مختلف، شرکت کردن پیروان سایر ادیان و مذاهب در آن و همچنین نحوه میزبانی بی مانند از شرکت کنندگان در این مراسم پرداخت. در این مقاله آمده است:

این حرکت، حج یا کومبه میلای ( kumbh mela ) هندوها نیست. این حرکت با عنوان «اربعین» شهرت دارد و پرجمعیت ترین اجتماع جهان است. احتمالاً شما هرگز چیزی درباره آن نشنیده اید. نه تنها تعداد این افراد از زائران مکه بیشتر است (در واقع 5 برابر آن است)، بلکه از کومبه میلای نیز برجسته تر است؛ زیرا کومبه میلای، تنها هر سه سال یک بار برگزار می شود. خلاصه، اربعین هر اجتماع بشری دیگری بر روی کره زمین را تحت الشعاع قرار می دهد. جمعیت مراسم اربعین سال گذشته، به 20 میلیون نفر رسید؛ یعنی 60 درصد کل جمعیت عراق، و هر سال هم بیشتر می شود.<sup>(1)</sup>

ص: 23

---

1- . سایت باشگاه خبرنگاران جوان، نوشته رضا عسکری.

آیا عزاداری (در اربعین و غیر اربعین) مورد نهی پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام بود؟ آیا این کار برگرفته از مسیحیت نیست؟

پاسخ

درباره عزاداری، نه تنها از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام نهی وارد نشده است، بلکه آیات و روایات فراوانی دلالت می کند که اصل عزاداری، مشروع است. حضرت رسول صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام نیز، خود عزاداری می کردند و دیگران را نیز به عزاداری برای شهدا سفارش می نمودند.

خداوند تبارک و تعالی در قرآن می فرماید: (لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ)؛ (1) «خداوند فریاد زدن را دوست ندارد، جز برای کسانی که مورد ستم قرار گرفته اند».

در این آیه، به همه مظلومان، اجازه فریاد و افشاگری داده شده است. عزاداری شیعیان در ماتم سید الشهداء علیه السلام، در حقیقت يك نوع فریاد در برابر ظلم و طغیان ظالمان است. عزاداری هایی که در این راستا برگزار می شود، از مصادیق «جهر من القول» است، که خدا آن را دوست دارد. از این روست که امام خمینی رحمه الله، گریه بر مظلوم را فریاد بر ظالم می داند. (2)

دومین آیه بر مشروعیت عزاداری، آیه 84 سوره یوسف است: (قَالَ يَا أَسْفَىٰ عَلَىٰ يَوْسُفَ وَآيِسُفَ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ)؛ [يعقوب] گفت: وا

ص: 24

1- . نساء: 148.

2- . صحیفه نور، ج 8، ص 70.

اسفا بر فراق یوسف! و درحالی که خشم خود را فرو می خورد و چشمانش از اندوه، سفید شد».

حضرت یعقوب و حضرت یوسف علیهما السلام، هر دو پیامبر بودند و گریه حضرت یعقوب علیه السلام بر حضرت یوسف علیه السلام، تنها به دلیل رابطه پدر و فرزند نبود، بلکه گریه يك پیامبر، در غم فراق پیامبر دیگر بود. در این مسئله، فقط جنبه عاطفی مطرح نیست، بلکه جهات مهم دیگری نیز مطرح است. مؤید آنچه گفته شد، استدلال امام سجاد علیه السلام است که در پاسخ به کسانی که به گریه آن حضرت اعتراض می کردند، فرمود:

مگر شما از گریه و عزاداری یعقوب اطلاع ندارید؟ او سالیان طولانی در فراق یوسف گریست، تا بینایی خود را از دست داد؛ در صورتی که فرزندش زنده و تنها از مقابل چشمانش ناپدید شده بود. اما من با چشمان خود، دیدم که پدرم و هفده تن از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را شهید، و سرشان را از تن جدا کردند. (1)

عزاداری برای شهدا در اسلام، سابقه ای دیرین دارد و از اخبار بر می آید که پیامبر صلی الله علیه و آله نیز، آن را تأیید می کرد و در برگزاری آن همت می گماشت. ابن هشام می نویسد:

بعد از جنگ اُحد، که رسول خدا صلی الله علیه و آله به خانه خود می رفت، از محله بنی عبدالاشهل و بنی ظفر عبور کرد. در این هنگام، صدای زنان آنها که بر کشتگانشان گریه می کردند، به گوش آن حضرت رسید و موجب شد که اشک بر صورت ایشان نیز جاری شود و در پی آن فرمود: «کسی نیست که بر عمویم حمزه بگرید!». سعد بن معاذ و

ص: 25



اسید بن حضیر (رؤسای قبیله بنی عبدالاشهل) پس از آگاهی از این موضوع، زمانی که به خانه های خود باز گشتند، به زنان قبیله شان دستور دادند لباس عزا بپوشند و به مسجد بروند و در آنجا، برای حمزه علیه السلام، اقامه عزا کنند. رسول خدا صلی الله علیه و آله که صدای گریه آنها را شنید، از خانه خویش [که جنب مسجد بود] بیرون آمد، [از آنها سپاسگزاری کرد و] فرمود: «به خانه های خود بازگردید، خدایتان رحمت کند که به خوبی، مواسات خود را انجام دادید». (1)

پیامبر در شهادت جعفر طیار نیز، هم خود گریست و هم برای عزاداران که در خانه او گرد آمده بودند، غذا تهیه کرد. (2) بنا بر روایت ابن سعد، اندوه و افسردگی پیامبر صلی الله علیه و آله برای شهدای جنگ موته، چنان زیاد بود که اصحاب نیز به شدت اندوهگین و افسرده شدند. (3)

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله درگذشت، مردم مدینه، به گریه و ندبه پرداختند و بنا بر قول عثمان بن عفان: «برخی از اصحاب، چنان اندوهگین شدند که چیزی نمانده بود به وهم، دچار شوند». (4) بنا بر نقل عایشه، زنان به عزاداری پرداختند و به سینه و صورت خود می زدند. (5)

در شهادت علی علیه السلام، فرزندان آن حضرت و مردم کوفه، به شدت می گریستند. (6) هنگامی که امام حسن علیه السلام نیز به شهادت رسید، برادرش

ص: 26

- 
- 1- . سیرة النبویه، ج 4، ص 122.
  - 2- . همان، ج 2، ص 252.
  - 3- . طبقات الکبری، ج 2، ص 162.
  - 4- . همان، ج 2، ص 368.
  - 5- . سیرة النبویه، ج 2، ص 428.
  - 6- . منتهی الآمال، ج 1 و 2، صص 211، 220 و 223.

محمد حنفیه، مرثیه و نوحه سرایی کرد. (1) با شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش در محرم سال 61 ه. ق، عزاداری وارد مرحله ای جدید شد و در گستره ای وسیع تر از جهان اسلام، برگزار گردید.

بنا بر روایت مقاتل، زنان و مردان قبیله بنی اسد، هنگام دفن اجساد شهیدان و بعد از آن، نوحه سرایی و عزاداری می کردند. (2) بنا بر روایتی، اهل بیت امام حسین علیه السلام، به عزاداری مشغول بودند. (3) مردم مدینه هم به ویژه بنی هاشم، همین که از شهادت امام حسین علیه السلام آگاه شدند، به گریه و ندبه ای پرداختند که تا آن هنگام، کسی ندیده و نشنیده بود. (4)

امام سجاد علیه السلام که در دوران خفقان اموی به سر می برد، برای حفظ واقعه خونبار کربلا و انتقال آن به نسل های بعد، از ابزار گریه بهره گرفت. از امام صادق علیه السلام روایت شده است:

زین العابدین علیه السلام، چهل سال در مصیبت پدرش گریه کرد،

در حالی که روزها روزه دار و شب ها به عبادت بیدار بود و چون وقت افطار می رسید، خدمتگزارش آب و غذا در برابر او می نهاد و می گفت: «آقا جان! میل بفرمایید».

آن حضرت می گفت: «چگونه غذا بخوریم، در صورتی که فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله، گرسنه کشته شد؟ چگونه آب بنوشیم، در صورتی که فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله، لب تشنه کشته شد؟» و پیوسته این سخن را می گفت و می گریست، تا آب و غذا با اشک چشمش، مخلوط

ص: 27

---

1- . مروج الذهب و معادن الجواهر، ج 2، ص 3.

2- . اللهوف علی قتلی الطفوف، صص 179، 186 و 187.

3- . عزاداری حسین علیه السلام از زمان آدم تا زمان ما، ص 75.

4- . اللهوف، ص 223.

می شد. ایشان همواره بر این حال بود، تا از دنیا رفت. (1)

امام سجاد علیه السلام در طول دوران امامتش، پیوسته سوگوار قصه عاشورا بود. در این مصیبت، آن قدر گریست، که از «بکائین»، یعنی «بسیار گریه کنندگان» به شمار آمد و لقب گرفت. (2)

علقمه حضر می، نقل می کند که امام باقر علیه السلام در روز عاشورا، برای امام حسین علیه السلام در خانه اش اقامه عزا می کرد و خود آن حضرت نیز، برای جدش می گریست. ایشان تقیه نمی کرد و به کسانی که در خانه بودند، می فرمود: «برای آن حضرت سوگواری کنید و در مصیبت حسین علیه السلام، به یکدیگر تسلیت بگویید». (3) امام صادق علیه السلام به داوود رقی فرمود: «من هرگز آب خنک ننوشیدم، جز اینکه به یاد امام حسین علیه السلام افتادم». (4) از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود:

وقتی ماه محرم می شد، کسی پدرم (امام کاظم علیه السلام) را خندان نمی دید و اندوه و حزن، بر وی غالب می شد، تا روز دهم. هنگامی که روز عاشورا فرا می رسید، آن روز، روز مصیبت، حزن و گریه او بود و می فرمود: «امروز، روزی است که حسین علیه السلام، شهید شد». (5)

ائمه اطهار علیهم السلام، نه تنها خود در عزای سالار شهیدان می گریستند، بلکه همواره مردم را به گریستن بر آن حضرت، تشویق و ترغیب کردند. در

ص: 28

---

1- . اللهوف، صص 129-235.

2- . وسائل الشیعه، ج 2، ص 922.

3- . همان، ج 14، ص 509.

4- . امالی صدوق، ص 142.

5- . مفاتیح الجنان، بخش مربوط به اعمال ماه محرم.

روایتی آمده است: «هر کس بر حسین علیه السلام بگرید، یا (حتی) يك نفر را بگریاند، پاداشش بهشت است و هر کس حالت اندوه و گریه به خود بگیرد نیز، پاداشش بهشت است».(1)

از روایت ابن قولویه استفاده می شود که در زمان امام صادق علیه السلام، مردم اطراف کوفه و نواحی دیگر، برای زیارت قبر امام حسین علیه السلام و یارانش به کربلا می رفتند و به قرائت قرآن، ذکر مصائب، نوحه خوانی و مرثیه سرایی می پرداختند.(2) ریان بن شیب می گوید:

روز اول ماه محرم، خدمت حضرت امام رضا علیه السلام رسیدم. ایشان به من فرمود: ای پسر شیب به راستی محرم، همان ماهی است که اهل جاهلیت، در زمان گذشته، ظلم و قتال را به خاطر احترامش در آن حرام می دانستند و این امت، نه حرمت این ماه را نگه نداشتند و نه حرمت پیغمبرش را. آنان، ذریه او را کشتند، زنانش را اسیر کردند و بنه اش را به غارت بردند. خدا هرگز این گناه آنها را نیامرزد.

ای پسر شیب! اگر برای چیزی گریه خواهی کرد، برای حسین علیه السلام گریه کن که چون گوسفند، سرش را بریدند و هجده کس از خاندانش با او کشته شد، که روی زمین، ماندی نداشتند و آسمان های هفت گانه و زمین، برای کشتن او گریستند و چهار هزار فرشته، برای یاریش به زمین آمدند و دیدند، کشته شد و بر سر قبرش، ژولیده و خاک آلود باشند، تا قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند و یاریش کند و شعار آنها، یا لثارات الحسین است.

ص: 29

---

1- . بحار الانوار، ج 24، ص 284.

2- . لؤلؤ و مرجان، ص 4.

ای پسر شیبیب! پدرم از پدرش، از جدش، برایم باز گفت که چون جدم حسین علیه السلام کشته شد، آسمان، خون و خاک سرخ بارید. ای پسر شیبیب! اگر بر حسین علیه السلام گریه کنی، تا اشک بر گونه هایت روان شود، خدا هر گناهی کردی، از خرد و درشت و کم و بیش، بیامرزد. ای پسر شیبیب! اگر خواهی خدا را ملاقات کنی و گناهی نداشته باشی، حسین علیه السلام را زیارت کن. ای پسر شیبیب! اگر خواهی در غرفه های بهشت با پیغمبر صلی الله علیه و آله ساکن شوی، بر قاتلان حسین علیه السلام لعن کن.

ای پسر شیبیب! اگر خواهی ثواب شهیدان با حسین علیه السلام را دریابی، هر وقت بیادش افتادی، بگو کاش با آنها بودم و به فوز عظیمی می رسیدم. ای پسر شیبیب! اگر خواهی با ما در درجات بلند بهشت باشی، برای حزن ما محزون باش و برای شادی ما شاد باش و ملازم ولایت ما باش و اگر مردی، سنگی را دوست بدارد، خدا او را روز قیامت، با آن محشورش کند. (1)

از عملکرد امام سجاد علیه السلام و سفارش های ایشان و سایر ائمه علیهم السلام درباره گریه برای امام حسین علیه السلام و یارانش (2) برمی آید که برگزاری مجالس عزاداری و گریه، از مؤثرترین ابزار بود، که می توانست با توطئه های بنی امیه، برای محو آثار مادی و معنوی قیام کربلا، مقابله کند. در نتیجه بر خلاف ادعای وهابیان، مشروعیت عزاداری، ریشه در قرآن و سیره رسول الله صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام دارد. مسلمانان در طول تاریخ، برای شهدای کربلا، عزاداری می کردند و یاد آن بزرگ مردانی که با خونشان،

ص: 30

---

1- . الامالی (للمصدق)، ص 130.

2- . اللهوف، ص 27.

نهال نوپای اسلام را زنده نگه داشتند، گرامی داشته اند.

## پرسش هفتم: مشروعیت سینه زدن

چرا در ایام اربعین، شیعیان بر سر و سینه می زنند؟ با اینکه در منابع شیعه هم، مورد نهی قرار گرفته و حرام است.

پاسخ

در پاسخ به این پرسش، باید گفت که دلایل زیادی برای اثبات مشروعیت عزاداری و سینه زنی برای امام حسین علیه السلام وجود دارد. در این بین، ما تنها به چند مورد از سنت معصومان علیهم السلام اشاره می کنیم:

نقل شده است هنگامی که زنان و فرزندان خاندان هاشمی را از شام به سمت مدینه حرکت دادند، در میان راه، از راهنمای قافله خواستند آنها را به کربلا ببرد، تا با شهیدان کربلا، تجدید دیدار کنند. هنگامی که به آن سرزمین رسیدند، دیدند که جابر بن عبدالله انصاری و جمعی از بنی هاشم، برای زیارت قبر حسین علیه السلام به کربلا آمده اند. این دو قافله، وقتی با یکدیگر ملاقات کردند، دیدارشان همراه با اندوه، گریه و بر سر و صورت زدن بود. به این ترتیب آنان، ماتمی جانسوز در آن سرزمین برپا کردند. (1)

امام سجاد علیه السلام فرمود:

در شبی که پدر بزرگوارم، فردای آن شهید شد (عاشورا)، در خیمه

ص: 31

---

1- . بحارالانوار، ج 45، ص 146؛ «... فَوَجَّ دُؤَا جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ وَ جَمَاعَةً مِنْ بَنِي هَاشِمٍ وَ رَجُلًا مِنْ آلِ رَسُولِ اللَّهِ؛ قَدْ وَرَدُوا لِيَزِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَوَافُوا فِي وَفْتٍ وَاحِدٍ، وَ تَلَاقُوا بِالْبُكَاءِ وَ الْحُزْنِ وَ اللَّطْمِ، وَ أَقَامُوا الْمَتَمَّ الْمُفْرِحَةَ لِلاِكْبَادِ».

نشسته بودم و عمه ام زینب، به پرستاری من مشغول بود. پدرم به خیمه خود رفت. جوین، غلام ابوذر، شمشیر آن حضرت را اصلاح می کرد و پدرم می فرمود: «وای بر تو ای روزگار! در هر بامداد و شبانگاهی، بسیاری از یاران و دوستان را نابود می کنی و به عوض هم، اکتفا نمی کنی. آری سررشته همه، در دست خداست و هر جاننداری، به راهی خواهد رفت، که من می روم». ایشان همین مضامین را دو یا سه بار تکرار کرد.

من از شنیدن این مضامین، به هدف آن حضرت توجه کردم، که گریه گلوی مرا فرا گرفت؛ ولی خودداری کرده، آرام گرفتم و دانستم که بلا، نازل شده است. اما عمه ام زینب، به مجرد اینکه مضامین اشعار را شنید، بر اثر رقت قلبی که ویژه زنان است، نتوانست خودداری کند و با حالت تحیر، از خیمه خارج شد و به سوی آن حضرت رفت و فرمود: «ای کاش می مردم! امروز مادرم فاطمه علیها السلام، پدرم علی علیه السلام و برادرم حسن علیه السلام، وفات یافتند».

امام حسین علیه السلام به خواهر بزرگوارش توجهی کرد و با دیده اشکبار فرمود: «خواهرم کاری کن که شیطان به تو دست پیدا نکند و پرده صبرت را پاره نکند».

سپس فرمود: «اگر مرغ قطا را به حال خود می گذاردند، آسوده می خوابید». زینب علیها السلام گفت: «برادرم! خود را برای مرگ آماده ساخته ای! این آمادگی شما، قلب مرا مجروح ساخت و طاقتم را طاق کرد». آن گاه بی درنگ، سیلی به صورت خود زد و گریبان چاک کرد و غشوه بر او عارض شد و بر زمین افتاد. حسین علیه السلام کنار

خواهر آمد، آب به صورتش ریخت و او را به هوش آورد؛ سپس فرمود: «خواهرم! آرام باش و از خدا پرهیز و به خواست او، خشنود شو و بدان که اهل زمین، می میرند و آسمانی ها باقی نمی مانند و ماسوای خدا نابود می شوند و جز او، که موجودات را آفریده، مردم را مبعوث می سازد و یکتای بی همتاست، دیگری زنده نخواهد ماند» (1).

از دو جهت می توانیم از این حدیث، برای جایز بودن سینه زنی استفاده کنیم:

الف) با توجه به این حدیث، درمی یابیم که امام علیه السلام، خواهرش را که سیلی به صورتش زده بود، نهی نکرد. اگر این کار، منع شرعی و حرمت داشت، امام علیه السلام به ایشان تذکر می داد؛

ب) با توجه به اینکه حضرت زینب، عالمه غیر معلمه است و به احکام و آموزه های دین، از هر کس دیگری واقف تر است و هرگز کارهای خلاف شرع از ایشان سر نخواهد زد، بنابراین لطمه زدن به خود، در صورتی که ضرر به نفس نباشد، جایز و یکی از ابزار عزاداری و ابراز احساسات درونی است.

در روایاتی آمده است، وقتی امام کاظم علیه السلام را دستگیر کردند، آن حضرت به فرزند خود، امام رضا علیه السلام، دستور داد که تا او زنده است، هر شب در ورودی منزل بخوابد، تا خبر او برسد. در ادامه روایت آمده است:

ما هر شب بستر امام رضا علیه السلام را می انداختیم. وی پس از شام می آمد و در آنجا می خوابید و صبح، به منزلش برمی گشت. چهار سال بر

ص: 33



این منوال گذشت، تا اینکه در یکی از شب‌ها، بستر او را انداختیم، اما او به شیوه همیشه، برای خوابیدن نیامد و این موضوع، موجب ترس و نگرانی اهل خانه شد. فردای آن شب، آن حضرت به خانه آمد و نزد خانواده پدرش رفت و امّ احمد را خواست و به او گفت: «آن امانتی که پدرم به تو سپرده بیاور». امّ احمد به مجرد شنیدن این سخن، شیون کرد و سیلی به چهره زد و گریبان درید و گفت: «به خدا آقای من مرده است». امام رضا علیه السلام به او فرمود: «سخنی در این باره مگو و اظهاری مکن، تا خبر به والی برسد».(1)

گرچه در این روایت، آن فردی که شیون کرد، سیلی به چهره زد و گریبان چاک کرد، امام نبود، اما نکته تأمل برانگیز این است که با توجه به اینکه این کار در حضور امام معصوم علیه السلام انجام شد، ولی حضرت از آن نهی نفرمود چنین سکوتی، تقریر و تأیید معصوم محسوب می‌شود که برای دیگران حجت است.

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «كُلُّ الْجَزَعِ وَالْبُكَاءِ مَكْرُوهٌ سِوَى الْجَزَعِ وَالْبُكَاءِ عَلَى الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ»؛(2) «هر گونه جزع و گریه کردن، ناپسند است، مگر جزع و بی تابی برای حسین علیه السلام». امام صادق علیه السلام در بیان مصادیق جزع فرمود: «أَشَدُّ الْجَزَعِ الصُّرَاخُ بِالْوَيْلِ وَالْعَوِيلِ وَ لَطْمُ الْوَجْهِ وَالصَّدْرِ وَ جَزُّ الشَّعْرِ مِنَ النَّوَاصِي»؛(3) «شدیدترین جزع، فغان، بلند گریه کردن،

ص: 34

---

1- . کافی، ج 1، صص 381 و 382؛ «... فَصَرَخْتُ وَ لَطَمْتُ وَ جَهَّهْتُ وَ شَقَّتْ جَبِيهَا وَ قَالَتْ مَاتَ وَ اللَّهُ سَيِّدِي...».

2- . وسائل الشیعه، ج 3، ص 282.

3- . الکافی، ج 3، ص 223.

فریاد زدن، بر سر و صورت زدن و کندن موهای پیشانی است».

مراجع تقلید شیعه، که از همه به حلال و حرام آگاهی بیشتری دارند و اسلام شناسان واقعی در زمان غیبت هستند، سینه زنی در عزای سرور و سالار شهیدان را از مهم ترین نوع عزاداری می دانند. مرحوم حضرت آیت الله فاضل لنکرانی فرمود: «سینه زنی، یکی از مظاهر مهم عزاداری و ابراز تنفر از ظلم بنی امیه است و نه تنها اشتباه نیست، بلکه در تداوم هدف عاشورا، نقش مهمی دارد».<sup>(1)</sup> آیت الله تبریزی فرمود:

سینه زنی و گریستن، گرچه شدید باشد، به خاطر سیدالشهداء علیه السلام، از نشانه های دینی است و داخل عنوان حزن و اندوه است و روایات معتبر، برای پسندیده بودن این کار و مستحب بودن آن و اینکه باعث تقرب به خداست، وارد شده است. بنابراین حتی اگر این سینه زنی، منجر به سیاه شدن سینه و ضرر به بدن بشود، ایرادی ندارد.<sup>(2)</sup>

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی در این باره فرمود:

«إِنَّ لِلْحَسَنِ حَرَارَةً مَكُونَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا»؛ «سوز و حرارت شهادت امام حسین علیه السلام، در دل های مؤمنان، ودیعتی همیشه ماندنی است که هرگز به سردی نخواهد گراید». سینه زنی و زنجیرزنی در عزای سید مظلومان، حضرت ابی عبدالله الحسین سید الشهداء علیه السلام، از شعائر مذهبی است و موجب احیای حق و زنده نگه

ص: 35

---

1- ر. ک: استفتائات پیرامون عزاداری سیدالشهداء، آیت الله فاضل لنکرانی، ص 2.

2- سایت آیت الله تبریزی به آدرس: <http://portal.tabrizi.org/?p=10271>

داشتن مراسم عاشورا است؛ مراسمی که بهترین و والاترین جلوه جهاد فی سبیل الله و فداکاری و جانبازی بندگان صالح خدا، به ویژه حضرت امام حسین علیه السلام و اهل بیت بزرگوارش علیهم السلام و قیام آنان در برابر باطل است؛ به گونه ای که ابعاد آن قیام الهی، فوق حد تصور است. چنانچه عزاداری به صورت نوحه خوانی، گریه کردن و گریاندن باشد، بسیار مطلوب، مرغوب و موجب اجر و مورد تأکید ائمه اهل بیت علیهم السلام است. (1)

### پرسش هشتم: نوحه گری در روایات

در روایات آمده است، کسی که نوحه سرایی کند و کسی که گوش دهد، هر دو ملعون اند، با این حال، چرا شیعیان در زیارت اربعین، عزاداری می کنند؟

پاسخ

اگرچه در برخی روایات آمده است که نوحه سرایی، از رسوم جاهلیت است یا اینکه نوحه گر، ملعون است، ولی اولاً این روایات از نظر سندی ضعیف هستند و علمای حدیث شناس شیعه، به محتوای آنها اهمیت نداده اند. با توجه به علم حدیث شناسی و رجال، این دسته از روایات از درجه اعتبار مردود است؛ هر چند در منابع روایی ذکر شده است؛ زیرا بدیهی است که صرف وجود روایت در منابع، دلیل بر اعتبار آن نیست.

ثانیاً بر فرض صحت این گونه احادیث و قبول آنها، باید با روش علمی، مراد و مقصود آنها را به دست آورد، تا روشن شود که آیا

ص: 36

نوحه سرایی برای میت، به طور کلی جایز نیست یا مقصود از منع، برخی اقسام نوحه گری است؛ زیرا دسته ای دیگر از روایات، به طور صریح مشروعیت نوحه سرایی را تبیین می کنند. به طور کلی دو نوع نوحه سرایی داریم: نوحه سرایی غیر مشروع و نوحه سرایی مشروع.

#### الف) نوحه سرایی غیر مشروع

این نوع نوحه سرایی، که به روش جاهلیت انجام می شود و در آن، مطالب دروغ، ناحق و ناسنجیده بسیار گفته می شود، بی گمان مورد نهی دین مقدس اسلام است. برای نمونه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد این گونه نوحه سرایی فرمود: «النیاحة من عمل الجاهلیة»؛<sup>(1)</sup> «نوحه از عمل جاهلیت است».

#### ب) نوحه سرایی مشروع

نوع دوم از نوحه سرایی، که برخاسته از طبیعت لطیف افراد مؤمن و نوع دوست است و بیشتر از این گونه طیف سر می زند، نوحه سرایی مشروعی است که پشتوانه روایی بسیاری دارد و هیچ گونه شك و شبهه ای در مشروعیت انجام آن نیست. این نوع عزاداری، به طریق اولی برای معصومان علیهم السلام، به ویژه برای امام حسین علیه السلام، جایز، بلکه مستحب است. در اینجا برخی از موارد این نوع نوحه سرایی را ذکر می کنیم:

1. هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از جنگ احد به مدینه بازگشت، از هر خانه ای که کسی از آن به شهادت رسیده بود، صدای نوحه شنید، ولی از خانه عموی خود، حمزه علیه السلام، صدایی نشنید. آن گاه فرمود: «اما برای حمزه کسی نمی گرید». پس مردم مدینه تصمیم گرفتند بر هیچ شهیدی، نوحه سرایی و گریه نکنند، مگر اینکه ابتدا بر حمزه، نوحه و زاری کنند و

ص: 37

---

1- . روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، ج 13، ص 5.

این رسم تا امروز باقی است؛<sup>(1)</sup>

2. حضرت صدیقه طاهره علیها السلام، پس از رحلت پدرشان حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله، کنار مرقد مطهر ایشان می رفت، مشتی از خاک قبر را برمی داشت، بر چشم می نهاد و چنین نوحه می خواند: «ماذا علی من شم تربة احمد...»؛<sup>(2)</sup>

3. دختری از امام صادق علیه السلام درگذشت. حضرت، یک سال بر او گریست. سپس فرزند دیگر او از دنیا رفت. باز حضرت یک سال عزاداری کرد. آن گاه که اسماعیل فوت کرد، ناله او شدت یافت. برخی به امام صادق علیه السلام گفتند: «چرا از خانه تو، صدای ناله شنیده می شود؟». در پاسخ فرمود: «آن گاه که حمزه درگذشت، پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد، زنان مدینه بر او نوحه سرایی کنند، چون او نوحه گری نداشت»؛<sup>(3)</sup>

4. در زیارت حضرت امام رضا علیه السلام، که از حضرت امام جواد علیه السلام نقل شده است، چنین می خوانیم: «ای کسی که پیش از شهید شدن، به فرزندان و خانواده اش فرمان داد، بر او نوحه سرایی کنند»؛<sup>(4)</sup>

5. امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگام ماتم و عزاء بانوان برای اشک ریختن، نیاز به شیون و زاری دارند؛ اما شایسته نیست سخنان بیهوده و باطل بگویند و باید با فرارسیدن شب، نوحه گری و فریاد را رها کنند، تا فرشتگان آزار نینند»؛<sup>(5)</sup>

ص: 38

---

1- . وسائل الشیعه، ج 3، ص 284.

2- . المعتمر، ج 1، ص 345.

3- . وسائل الشیعه، ج 3، ص 241.

4- . بحار الانوار، ج 99، ص 53.

5- . وسائل الشیعه، ج 3، ص 243.

6. امام صادق علیه السلام فرمود: «هر گریه ای در مصایب، مکروه است، مگر گریه بر امام حسین علیه السلام»؛(1)

7. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هر چشمی در قیامت گریان است، جز چشمی که بر حسین علیه السلام گریه کند. آن چشم همیشه خندان و به نعمت های بهشتی، بشارت داده می شود».(2)

8. امام رضا علیه السلام فرمود:

کسی که مصیبت هایی را که بر ما وارد شده به یاد آورد و بر آن گریه کند، در قیامت همراه ما خواهد بود. کسی که به یاد مصایب ما گریه کند و دیگران را بگریاند، چشمان او روزی که همه چشم ها گریان است، گریان نخواهد بود و کسی که در جلسه ای بنشیند که در آن جلسه، امر ما احیاء و برپا داشته می شود، دل او روزی که دل ها می میرد، زنده می شود و نمی میرد؛(3)

9. امّ بکر، دختر مسعود می گفت: «پس از شهادت امام حسین علیه السلام، زنان بنی هاشم يك ماه، مجلس روضه، نوحه و عزاداری به پا داشتند»؛(4)

10. عایشه، دختر سعد روایت می کرد: «زنان بنی هاشم، در شهادت امام حسن علیه السلام، يك سال، حداد را ترك نکردند». منظور از حداد، پوشیدن لباس اندوه و عزا و ترك زینت و آرایش است؛(5)

ص: 39

---

1- . بحار الانوار، ج 44، ص 280.

2- . بحار الانوار، ج 44، ص 293.

3- . همان، ص 278.

4- . پاسخ به شبهات عزاداری، ص 123.

5- . تاریخ دمشق، ج 13، ص 295.

جامه چاك دادن در سوگ پدر، مادر یا برادر یا نزدیکان، چه حکمی دارد؟ فرمود: اشکالی ندارد؛ چراکه موسی بن عمران، در مرگ برادرش جامه چاك داد. اما پدر در مرگ پسر و مرد در سوگ همسر خویش، نباید جامه چاك کند؛ ولی جامه چاك دادن زن در مرگ شوی، اشکالی ندارد. آن گاه فرمود: در شهادت حسین بن علی علیه السلام، خانم های فاطمی، گریبان پاره کرده، صورت ها را زخمی کردند و در چنین حادثه ای، شایسته است که آن طور عمل شود. (1)

با توجه به آنچه ذکر شد، نوحه سرایی و عزاداری در غم از دست دادن عزیزان، يك امر مشروع است، که نصوص دینی و عمل ائمه اطهار علیهم السلام، آن را تأیید می کند. در نتیجه نوحه سرایی در غم شهادت سرور و سالار شهیدان، امام حسین علیه السلام، نه تنها جایز و مشروع است، بلکه مستحب و دارای ثواب بسیار است.

### پرسش نهم: عزاداری و بدعت

آیا عزاداری برای امام حسین علیه السلام در قرن سوم از سوی معزالدوله دیلمی پایه گذاری شد؟ آیا عزاداری برای امام حسین علیه السلام، در دوران صفویه مرسوم شد و در زمان امام صادق علیه السلام و شیخ مفید رحمه الله مرسوم نبود؟

ص: 40

---

1- . تهذیب الاحکام، ج 8، ص 325؛ روضة المتقین فی شرح من لا یحضره فقیه، ج 8، ص 69؛ ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الاخبار، ج 14، ص 113؛ «قد شقن الجيوب و لظمن الخدود الفاطمیات علی الحسین بن علی و علی مثله تلطم الخدود تشق الجيوب».

عزاداری در غم سرور و سالار شهیدان، از همان روز عاشورای سال 61 ه. ق و بعد از شهادت آن حضرت و یارانش، شروع شد. حضور اسیران بر جنازه شهدای به خون خفته و صحبت‌ها و نوحه‌سرایی که از سوی بازماندگان آنها انجام می‌شد، بالاترین درجه عزاداری بود که صورت گرفت. پس از آن، به مناسبت‌های مختلف و با روش‌های گوناگون عمل می‌شد. البته در هر عصر، متناسب با امکانات و شرایط همان عصر، عزاداری بر پا می‌شد.

در بسیاری از دوره‌های تاریخی، شیعیان در تقیه بودند و آزادانه نمی‌توانستند آنچه را می‌خواستند، انجام دهند. نباید انتظار داشت که مانند آنچه امروز در کشورهای اسلامی عزاداری صورت می‌گیرد و در زیارت اربعین، جمعیت میلیونی زائران به عشق امام شهید، خودشان را به کربلا می‌رسانند، در آن زمان‌ها نیز، این‌گونه جمعیتی جمع می‌شد. در آن زمان‌ها، تعداد زائران و عزاداران، در این حد نبود؛ ولی از روایات زیادی که به ما رسیده است، استفاده می‌شود که تمام اهل بیت علیهم السلام، عزاداری می‌کردند و به گونه‌های مختلف، به جامعه آن وقت، عزاداری برای امام حسین علیه السلام را القاء می‌نمودند؛ تا کم‌کم عزاداری در سراسر جهان، گسترش یافت.

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که پس از حادثه عاشورا، هیچ بانویی از بانوان بنی هاشم، سرمه نکشید و خضاب نکرد و از خانه هیچ یک از بنی هاشم دودی که نشانه پختن غذا باشد، بلند نشد، تا آنکه ابن زیاد به هلاکت رسید. آن حضرت می‌فرمود: «ما پس از فاجعه خونین



عاشورا، پیوسته اشك بر چشم داشته ایم». (1)

دوران زندگی امام سجاد علیه السلام، همراه با اشك بود. عمده اشك آن حضرت، بر مصایب سید الشهداء علیه السلام بود؛ تا آنجا که وقتی آب می آوردند تا حضرت میل کند، اشك مبارکشان جاری می شد و می فرمود: «چگونه بیاشامم در حالی که پسر پیامبر صلی الله علیه و آله را تشنه کشتند؟». (2) امام صادق علیه السلام به زراره فرمود: «جدم علی بن الحسین علیه السلام، هرگاه حسین بن علی علیه السلام را به یاد می آورد، آن قدر اشك می ریخت که محاسن شریفش پر از اشك می شد و حاضران بر گریه او، گریه می کردند». (3)

امام باقر علیه السلام در روز عاشورا، برای امام حسین علیه السلام، مجلس عزا برپا، و بر مصایب آن حضرت گریه می کرد. در یکی از مجالس عزا، با حضور امام باقر علیه السلام، کمیت شعر خواند؛ وقتی به اینجا رسید که: «قتیل بالطف...»، امام باقر علیه السلام، بسیار گریه کرد و فرمود:

ای کمیت! اگر در پاداش این شعرت، سرمایه ای داشتیم، به تو می بخشیدیم؛ اما پاداش تو، همان دعایی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره حسان بن ثابت فرمود که همواره به خاطر دفاع از ما اهل بیت علیه السلام، مورد تأیید روح القدس خواهی بود. (4)

ابوبصیر، از یاران خاص امام صادق علیه السلام، می گفت:

در محضر آن حضرت بودم. ناگاه یکی از دختران امام حسین علیه السلام

ص: 42

---

1- . امام شناسی، ج 16-17، ص 178.

2- . بحار الانوار، ج 44، ص 145.

3- . همان، ج 45، ص 207.

4- . مصباح المتعجب، ص 713.

وارد شد. حضرت فرمود: «مرحبا!». آن گاه او را مورد نوازش و مهربانی قرار داد و فرمود: «خداوند، كوچك و پست گرداند کسی را که شما را تحقیر کرد و انتقام گیرد از کسی که نسبت به شما ستم روا داشت و خوار گرداند آن کس که شما را خوار کرد.

خداوند لعنت کند کسانی را که پدران شما را به شهادت رساندند. خداوند متعال، سرپرست و نگهدار و یاور شماست. همانا پیامبران، صدیقان، شهدا و فرشتگان الهی، بر حسین علیه السلام فراوان گریستند». آن گاه خود حضرت گریه کرد و فرمود: «ای ابوبصیر! هر زمان چشمم به یکی از فرزندان و نسل حسین علیه السلام می افتد، به خاطر آن حادثه ای که برای پدرشان و یارانش پیش آمد، حالتی به من دست می دهد که نمی توانم تاب بیاورم. ای ابوبصیر! حتی فاطمه علیها السلام نیز بر فرزندش حسین علیه السلام می گرید». (1)

زید شحام می گفت:

همراه جماعتی از اهل کوفه، در خدمت امام صادق علیه السلام بودیم. یکی از شعرای عرب، به نام جعفر بن عفان، وارد شد. آن حضرت او را احترام کرد و در نزدیک خود جای داد؛ آن گاه فرمود: «ای جعفر!». عرض کرد: «لیبک! به فدایت گردم». فرمود: «به من گفته اند که تو اشعار نیکی درباره حسین علیه السلام سروده ای». عرض

ص: 43

---

1- . کامل الزیارات، ص 83؛ «حقراً لله من حقرکم و انتقم ممن و ترکم و خذل الله من خذلکم و لعن الله من قتلکم و کان الله لکم ولیاً و حافظاً و ناصرأ فقد طال بکاء الانبياء و الصديقين و الشهداء و ملائكة السماء ثم بکی و قال یا ابا بصیر اذا نظرت الی ولد الحسین أتانی مالا أملکه بما اوتی الی ابيهم و اليهم یا ابا بصیر ان فاطمة لتبکیه».

کرد: «آری»، فرمود: «اشعار خود را بخوان». او شعر می خواند و امام و اطرافیان، می گریستند؛ به گونه ای که قطرات اشک بر صورت و محاسن آن حضرت جاری بود.

سپس امام فرمود: «ای جعفر! فرشتگان الهی حضور دارند و صدای تورا شنیدند و چنان که ما گریه کردیم، آنها نیز گریستند، بلکه بیشتر از آن. خداوند در این ساعت برای تو بهشت را واجب کرد و تورا بخشید». (1)

مرحوم محدث قمی نوشته است:

ابوهارون، مردی نابینا، شاعری توانا و از اصحاب امام صادق علیه السلام بود و گاهی برای امام حسین علیه السلام مرثیه می خواند. او می گفت: «روزی خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم». آن حضرت فرمود: «ابوهارون! از آن شعرهایی که در مرثیه جدم سروده ای، برای ما بخوان». عرض کردم: «اطاعت می شود». آن حضرت فرمود: «بگوئید زن ها هم پشت پرده بیایند و استفاده ببرند». ابوهارون اشعار خود را که تازه سروده بود آغاز کرد. با آنکه پنج مصرع بیشتر نبود، غلغله ای از خانه امام صادق علیه السلام بلند شد و اشک از چشمان مبارك امام جاری بود؛ شانه های مبارکش به شدت حرکت می کرد و فریاد ناله و گریه، از منزل به گوش می رسید. (2)

همان گونه که پیش از این اشاره شد، شیعیان، شرایط بسیار سختی

ص: 44

- 
- 1- . بحارالانوار، ج 44، ص 283؛ «یا جعفر و الله لقد شهدت ملائكة الله المقربين هاهنا يسمعون قولك في الحسين و لقد بكوا كما بكينا أو أكثر و لقد أوجب الله تعالى لك يا جعفر في ساعة الجنة بأسرها و غفر الله لك».
  - 2- . نفس المهموم، ص 46.

داشتند و زیارت و عزاداری برای ائمه هدی علیهم السلام، به راحتی برای آنها ممکن نبوده است؛ به ویژه در زمان بنی امیه، این شرایط سخت و دهشتناک بود. امویان می کوشیدند تا یاد حسین علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام را از ذهن ها پاک کنند. از این رو به هیچ وجه اجازه عزاداری، و زیارت قبر مطهر آن حضرت را نمی دادند. این موضوع پس از قیام زید بن علی بن حسین علیهم السلام، در زمان هشام بن عبدالملک شدت یافت. اما در زمان عباسیان، شرایط، همواره در حال نوسان و تغییر بود. در زمان سفاح، اولین خلیفه عباسی، زمینه برای زیارت مرقد مطهر امام حسین علیه السلام فراهم شد؛ ولی در زمان منصور، زیارت مرقد آن حضرت ممنوع، و مرقد مطهر نیز تخریب شد. پس از منصور و در زمان مهدی، مأمون، معتصم، واثق، منتصر و ناصرالدین بالله، شیعیان از جهت عزاداری و زیارت قبر امام حسین علیه السلام، آزادی داشتند؛ ولی در زمان هارون و متوکل، به شدت در آزار و اذیت قرار گرفتند و دستور تخریب قبر مطهر و منع زائران صادر شد.<sup>(1)</sup>

بنابراین اگر مسئله عزاداری در برخی دوران ها کمرنگ شد و در برخی زمان ها، مانند دوران آل بویه گسترش یافت، علتش موضع گیری حاکمان وقت بود، نه بی تفاوتی علما و بزرگان شیعه، یا موضع گیری منفی آنان در این امر مهم و حیاتی. تمام دانشمندان شیعه، مانند شیخ مفید، سید مرتضی علم الهدی، سید رضی و شیخ طوسی، در آثار مکتوبشان، راجع به نحوه سرایی و عزاداری برای امام حسین علیه السلام، سخن گفته اند.

ص: 45

سخت گیری خلفای جور نسبت به شیعیان و زائران قبر امام حسین علیه السلام، به حدی بود که متوکل، خلیفه عباسی، چندین بار به تخریب قبر امام حسین علیه السلام، اقدام کرد. او در سال 233 ه. ق به علت اینکه یکی از کنیزانشان به زیارت امام حسین علیه السلام رفته بود، دستور داد که قبر امام حسین علیه السلام و همه خانه های اطراف آن را خراب کنند. (1) در سال 236 ه. ق نیز، وی دوباره دستور تخریب قبر امام حسین علیه السلام را داد. طبری، تاریخ نگار معروف، در این باره می نویسد: «در این سال، متوکل دستور داد تا قبر حسین بن علی علیه السلام را ویران کنند، منزل ها و خانه های اطراف آن را نیز ویران کنند، شخم بزنند، بذر بپاشند و آبیاری کنند و مردم را از رفتن به نزد آن ممنوع دارند». (2)

بار دیگر وقتی متوکل شنید که مردم از عراق، کوفه و شهرهای دور، در کربلا اجتماع می کنند و بازار بزرگی در آنجا تشکیل شده است، سپاهی برای تخریب قبر مطهر اعزام کرد، که از زیارت قبر امام حسین علیه السلام، به شدت جلوگیری کند. (3)

### پرسش دهم: عدم توانایی مزور

آیا امام حسین علیه السلام و حضرت ابوالفضل علیه السلام که از دنیا رفته اند، می توانند حاجت زائران را برآورده کنند؟

ص: 46

- 
- 1- . مقاتل الطالبیین، ص 479.
  - 2- . تاریخ الطبری، ج 9، ص 185؛ «و فیها امر المتوکل بهدم قبر الحسین بن علی و هدم ما حوله من المنازل و الدور، و ان یحرث و یبذر و یسقی موضع قبره، و ان یمنع الناس من اتیانہ».
  - 3- . بحار الانوار، ج 45، ص 397.

پیش از پاسخ به این پرسش، از طریق آیات، روایات، عمل رسول الله صلی الله علیه و آله و بزرگان دین، لازم است به این نکته اشاره کنیم که یکی از اختلافات اساسی بین عقاید و باورهای پیروان مکتب انبیاء الهی علیهم السلام و مکاتب مادی، در این است که آیا انسان پس از مرگ، نابود می شود و دیگر اثری از او در عالم هستی باقی نمی ماند و با فنای جسم، روح نیز فنا می پذیرد؟ این همان چیزی است که مادیون، به آن باور دارند.

از نگاه مکتب انبیاء علیهم السلام، مطلب از این قرار نیست، بلکه انسان پس از مرگ، از حیات جاودان برخوردار است؛ هر چند ممکن است جسم از بین برود، ولی روح، هیچ گاه از بین نخواهد رفت. بر اساس این اعتقاد، روح آدمی در عالم برزخ، با قالبی دیگر و بسیار لطیف تر، زنده خواهد ماند. هر کس بر اساس اعمالش در دنیا، از نعمات الهی، متنعم یا معذب خواهد بود. دلیل این مطلب، آیات قرآن کریم است که شهدا را زنده خطاب می کند و آنها را متنعم به نعمات الهی می داند. خداوند در قرآن کریم می فرماید: (وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ)؛ (1) «گمان نکنید که کشته شدگان در راه خدا مرده اند، بلکه آنها زنده اند و نزد خدای خود روزی می خورند». در ادامه همین آیه، حالت عمومی تری را بیان کرده، می فرماید:

(وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ). (2)

---

1- . آل عمران: 169.

2- . آل عمران: 170.

به مؤمنانی که به شهدا نپیوسته اند، مژده می دهند که در پس آنها خواهند آمد (برای آخرت خواهند شتافت) و از مردن نهراسند و غمگین و ناراحت نباشند.

همچنین در آیاتی، خدای متعال بر انبیای گذشته سلام می کند و می فرماید:

\* (سَلَامٌ عَلٰی نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ). (1)

\* (سَلَامٌ عَلٰی اِبْرَاهِيمَ). (2)

\* (سَلَامٌ عَلٰی مُوسٰى وَ هَارُونَ). (3)

\* (سَلَامٌ عَلٰى اِلْيَاسِينَ). (4)

\* (سَلَامٌ عَلٰى الْمُرْسَلِينَ). (5)

از این آیات، استفاده می شود که بین این عالم مادی و عالم برزخ، ارتباط برقرار است؛ بدین شکل که گفته ها، سؤال ها و درودها را می شنوند و جواب می دهند. با توجه به آیات قرآنی، آیا می توان همسو و هم نظر با مکتب مادیون، امام حسین علیه السلام، دیگر شهدای اسلام و مؤمنان را مرده پنداشت؟ روشن است که جواب منفی است. اگر کسی به آموزه های دین باور داشته باشد، اعتقاد خواهد داشت که همه آنان زنده اند. اما آیا زنده بودن این اشخاص، فقط منحصر و محدود به روزی خوردن و ارتزاق آنهاست و سایر ویژگی های زندگان را ندارند؟ بی گمان

ص: 48

1- . صافات: 79.

2- . صافات: 109.

3- . صافات: 120.

4- . صافات: 130.

5- . صافات: 181.

این گونه نیست؛ بلکه از آنجایی که آنان زنده اند، پس قادر به شنیدن و حرف زدن هم هستند، ولی گوش های ما قادر به شنیدن صدای آنها نیست.

بنابراین اعتقاد شیعه این است که امامان، صالحان و شهیدان زنده اند و در حقیقت، ما در ایام اربعین و مناسبت های دیگر، به زیارت زنده ها می رویم و آنان، به واسطه قرب و منزلتی که نزد خداوند دارند، می توانند شفیع ما در روز قیامت باشند و برای ما دعا کنند، تا خداوند به ما نیز توجه کند. اما اجابت این حاجت ها، بستگی به اراده ذات حق تعالی دارد. بی دلیل نیست که در زیارت امام حسین علیه السلام آمده است: «شهادت می دهم که کلام مرا می شنوی و جواب مرا می دهی».(1) یا در خطبه 83 نهج البلاغه آمده است: «این مطلب را از خاتم النبیین صلی الله علیه و آله بگیرید، که او فرمود: هر کس از ما بمیرد، در حقیقت مرده نیست و هر کس که به ظاهر بیوسد، در حقیقت پوسیده نیست».(2)

صحبت با اهل قبور در سیره امیر المؤمنین علی علیه السلام وجود دارد.(3) در سنن الکبری نقل شده است: «انّ فاطمة کانت تزور قبر عمّها حمزة کلّ جمعة، فتصلّی و تبکی عنده»؛(4) «فاطمه زهرا علیها السلام هر جمعه به زیارت قبر عمویش حمزه می رفت و آنجا نماز می خواند و گریه می کرد». پیامبر صلی الله علیه و آله در عمره حدیبیه، قبر مادرش آمنه را زیارت کرد و گریست، که همه گریستند.(5)

ص: 49

1- . بحار الانوار، ج 48، ص 180.

2- . شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 379.

3- . نهج البلاغه، حکمت 13.

4- . سنن الکبری، ج 4، ص 131.

5- . مسند احمد، ج 6، ص 76.



ابن حَبَّان، از علمای اهل سنت (م. 350 ه. ق) صاحب کتاب ثقات می گفت:

بارها به زیارت قبر علی بن موسی الرضا علیه السلام رفتم. در مدتی که در طوس بودم، هر وقت مشکلی برایم عارض می شد، به زیارت قبر آن حضرت می رفتم و از خدا می خواستم که مشکلم را حل کند و الحمدلله، مشکل برطرف می شد. بارها امتحان کردم و نتیجه گرفتم. (1)

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «هر مسلمانی بر قبر برادر مؤمنش عبور کند، درحالی که او را در دنیا می شناخت و از او سؤالی کند، خداوند روحش را برمی انگیزد، تا جواب او را بدهد». (2) از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که مردگان، صدای کفش تشیع کنندگان را می شنوند. (3) ابن قیم جوزیه، در کتاب الروح می گوید: «سلف بر این مطلب اجماع کرده و به تواتر رسیده است که شخص مرده، کسانی را که به زیارتش می آیند، می شناسد و از آمدنشان مسرور می شود». (4) همچنین از ابی هریره نقل شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس بر قبر شخصی عبور کند و بر صاحب آن درود فرستد، صاحب قبر، او را شناخته و سلامش را جواب می دهد». (5) بیهقی از سعید بن مسیب نقل می کند:

ما با علی بن ابی طالب علیه السلام، داخل قبرستان مدینه شدیم. حضرت علیه السلام ندا داد: «ای اهل قبرستان! سلام و رحمت خدا بر شما باد. از

ص: 50

1- . ثقات، ج 8، ص 456.

2- . الروح فی الکلام علی ارواح الاموات والاحیاء بالدلائل من الکتاب والسنه، ص 5.

3- . همان.

4- . همان.

5- . فیض القدر، ج 5، ص 487.

خبرهای خود به ما می گویند یا ما شما را خبر دهیم؟». سعید می گوید: صدایی شنیدیم که در جواب می گفت: «وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته یا امیرالمؤمنین. خبر ده ما را از آنچه اتفاق افتاد». حضرت علیه السلام فرمود: «اما زنان شما، به همسری دیگران درآمدند. اموال شما، تقسیم شد و اولاد شما نیز در زمره ایتام درآمدند. ساختمان هایی که بنا کردید، دشمنان در آنها ساکن شدند. این خبرهایی است که نزد ماست. خبرهایی که نزد شماست چیست؟». سعید می گوید: مرده ای به صدا درآمد و گفت: «هر آینه کفن ها پاره شد، موها ریخت، پوست ها از بدن جدا شد، حدقه ها بر صورت ها ریخت و از بینی ها، چرک بیرون آمد. آنچه را فرستاده بودیم، یافتیم و آنچه را به جا گذاردیم، خسارت دیدیم». (1)

## پرسش یازدهم: نذر برای غیر خدا

آیا می توان از چیزهایی که برای غیر خدا نذر می شود، مانند نذر برای امامان، مصرف کرد؟

پاسخ

پیش از آنکه نگاه شیعیان را در موضوع نذر بیان کنیم، لازم است معنای اصطلاحی نذر، روشن شود، نذر عبارت است از اینکه انسان، خود را ملزم و متعهد کند که اگر حاجتش برآورده شد، کاری را انجام دهد. مثلاً بگوید: برای خداست بر عهده من که اگر از این بیماری خوب شدم، گوسفندی را ذبح کنم. (2) این همان نذر شرعی است و باید نذر،

ص: 51

1- . حقیقة التوسل و الوسيلة، ص 242.

2- . موسوعة الفقه الاسلامی، ج 5، ص 271.

برای خداوند باشد و برای غیر او جایز نیست.

البته گاهی در ضمن نذر، فرد متعهد می شود که ثواب آن کار را به یکی از اولیا، مانند امام حسین علیه السلام یا یکی از اهل بیت علیهم السلام، اهدا کند و می گوید: برای خدا نذر می کنم که چند من برنج بپزم و بین فقرا تقسیم، و ثواب آن را به روح حضرت زهرا علیها السلام اهدا کنم. اینکه می گوید «برای خدا» و آنکه می گوید «به حضرت زهرا علیها السلام»، با هم متفاوت است. در اولی، هدف نذر مطرح است، یعنی تقرب به خداوند، ولی در دومی، بیان مورد بهره مندی از نذر است.

این گونه نذر میان مسلمانان رایج است. کاری را برای خدا نذر می کنند و ثواب آن را به یکی از اولیای خدا و بندگان صالح، هدیه می کنند. گاهی هم عبارت را مختصر می کنند و می گویند: این گوسفند، نذر پیامبر و مقصود، جهت سود بردن از آن نذر است. یعنی ثواب آن برای پیامبر صلی الله علیه و آله.

قرآن کریم هم پر است از هر دو گونه کاربرد نذر. خداوند از قول همسر عمران، چنین حکایت می کند: (رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا)؛ (1) «خداوند! آنچه را که در رحم دارم، برای تو نذر کردم که آزاد برای خدمت خانه تو باشد». تعبیر برای تو نذر کردم، مثل آن است که بگویند برای خدا نماز خواندم یا برای خدا نذر کردم.

همچنین خداوند فرمود: (إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ) (2)؛ «صدقات (زکات) برای فقیران و بینوایان است». برای فقرا، یعنی برای بهره مندی

ص: 52

---

1- آل عمران: 35.

2- توبه: 60

آنان. مثل آنکه هنگام نذر، با تعبیر کوتاه می‌گوییم: این برای پیامبر صلی الله علیه و آله، یا برای امام علیه السلام. سعد بن عباده هم وقتی چاهی کند، آب آن را نذر مادرش کرد و گفت: «این برای ام سعد». پس با این تفسیر، روشن می‌شود که نذر برای اولیا و صالحان، مانعی ندارد. در روایات آمده است:

مردی به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: «ای پیامبر خدا! مادرم از دنیا رفته است و می‌دانم اگر او زنده بود، صدقه می‌داد. اگر از طرف او صدقه بدهم، او سودی می‌برد؟». رسول گرامی صلی الله علیه و آله فرمود: «آری». آن گاه آن مرد گفت: «کدام يك از صدقه‌ها سود بیشتری دارد؟». حضرت فرمود: «آب». در این هنگام، سؤال کننده چاهی کند و پس از آماده شدن گفت: «هذه لأم سعد»؛ «ثواب کردن این چاه برای مادر سعد باشد». (1)

لام در «لأم سعد»، همان لام «للنبي صلی الله علیه و آله» است، که به اصطلاح، «لام» انتفاع است، نه لام تقرب. ولی روح نذر این است که برای تقرب به درگاه الهی، متعهد شدم حیوانی را ذبح کنم و ثواب آن را به پیامبر صلی الله علیه و آله اهدا کنم، تا از این طریق، به درگاه خداوند، تقرب بجویم، تا شاید خدا بیمارم را شفا دهد. (2)

هر کس که از وضع زائران عتبات مقدس و حرم‌های ائمه اهل بیت علیهم السلام باخبر باشد، می‌داند که شیعیان، برای خدا و رضای او نذر می‌کنند و قربانی‌ها را با نام خدای متعال و با هدف بهره‌مندی صاحب

ص: 53

---

1- سنن ابی داوود، ج 2، ص 130.

2- راهنمای حقیقت، ص 174.

قبر، از ثواب آن و استفاده فقرا از گوشت قربانی ها، ذبح می کنند. (1)

### پرسش دوازدهم: حدیث ارتداد و روایت حضور جابر در اربعین

روایت حضور جابر در اربعین امام حسین صلی الله علیه و آله در کربلا را، چگونه با حدیث «ارتد الناس بعد النبی الا ثلاث»، که جابر هم یکی از مرتدین است، جمع می کنید؟

پاسخ

روایتی که می گوید پس از درگذشت رسول الله صلی الله علیه و آله، همه صحابه به جز سه نفر مرتد شدند، از نظر سندی ضعیف است؛ زیرا در سلسله سند آن، افراد مجهولی وجود دارند و از نگاه اصول و ضوابط علم رجال، مخدوش اند. از این رو هیچ گاه به مضمون چنین روایاتی اعتنا نمی شود. از جمله افرادی که در سند این روایت قرار دارد، «یحیی بن خالد» است. این شخص به دلیل مجهول بودنش، نه مدح شده است و نه ذم.

شخص دیگر، «سهل بن زیاد» است که نجاشی در رجال، در مورد او می گوید: «در حدیث، ضعیف و غیر قابل اعتماد است». احمد بن محمد بن عیسی (رئیس قمیین و از فقهاء مشهور زمان امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام) نیز، شهادت به غالی بودن و دروغ گو بودن او می داد و او را از قم به ری تبعید کرد. (2) همچنین شیخ طوسی رحمه الله در فهرست، او را ضعیف دانسته است. (3) ابن غضائری رحمه الله، یکی از بزرگان علم، رجال در

ص: 54

---

1- . سیمای عقائد شیعه، ص 108.

2- . رجال النجاشی، ص 185؛ «کان ضعیفاً فی الحدیث، غیر معتمد فیه و کان احمد بن محمد بن عیسی یشهد علیه بالغلو و الکذب و أخرج من قم الی الری».

3- . الفهرست، ص 228.

کتاب رجال خود می گوید: «كان ضعيفاً جداً فاسد الرواية و الدين»؛<sup>(1)</sup> «سهل بن زیاد، جداً ضعيف است. هم روایتش و هم دینش فاسد است».

بنابراین این گونه روایات، نمی تواند مبنای هیچ استدلالی قرار گیرد. البته مورخان نوشته اند که پس از درگذشت رسول الله صلی الله علیه و آله، عده ای از مسلمانان ادعای نبوت کردند و مرتد شدند. جماعتی از مسلمانان نیز از دادن زکات به خلیفه اول امتناع کردند و به ارتداد متهم شدند. خلیفه اول نیز در برابر آنها، جنگ های متعددی به راه انداخت.<sup>(2)</sup> مطلبی بر این مبنا که همه مسلمانان به جز چند نفر، مرتد شده باشند، وجود ندارد و از تهمت هایی است که به شیعه می زنند. پس جابر بن عبدالله انصاری، از بزرگان صحابه و مورد احترام همه بود.

### پرسش سیزدهم: تاریخچه اربعین

ریشه های اربعین و تاریخچه آن در اسلام چیست؟

پاسخ

اربعین در لغت به معنای چهلم است و در اصطلاح، به بیستم صفر سال 61 ه. ق، چهلمین روز شهادت امام حسین علیه السلام اطلاق می شود. گرامی داشت اربعین سالار شهیدان، در میان شیعیان، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. از دیدگاه بسیاری از صاحب نظران و مورخان شیعه و اهل سنت، مبنای تاریخی چنین بزرگداشتی، ورود اهل بیت علیهم السلام به کربلا، در اولین اربعین حسینی (سال 61 ه. ق) و دفن سرهای مطهر شهیدان،

ص: 55

---

1- . رجال ابن الغضائری، ص 67.

2- . تاریخ طبری، ج 3، ص 318؛ تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 128.

به ویژه سر مقدس امام حسین علیه السلام در کنار پیکرهای مطهر آنهاست.

شیخ مفید (م. 413 ه. ق) در «مسار الشیعه»، که در ایام موالید و وفیات ائمه اطهار علیهم السلام است، اشاره به روز اربعین کرده و نوشته است: «این روزی است که حرم امام حسین علیه السلام، از شام به سوی مدینه مراجعت کردند. نیز روزی است که جابر بن عبدالله، برای زیارت امام حسین علیه السلام وارد کربلا شد»<sup>(1)</sup> شیخ طوسی، در کتاب مصباح المتعجد، ذیل ماه «صفر» می نویسد:

روز 20 صفر (اربعین) زمانی است که حرم امام حسین علیه السلام، یعنی کاروان اسرا، از شام به مدینه مراجعت کردند و روزی است که جابر بن عبدالله بن حرام انصاری، صحابی رسول خدا صلی الله علیه و آله، از مدینه به کربلا رسید، تا به زیارت قبر امام حسین علیه السلام بشتابد و او، نخستین کسی است از مردمان، که قبر آن حضرت را زیارت کرد.

در این روز، زیارت امام حسین علیه السلام مستحب است و این زیارت، همانا خواندن زیارت اربعین است که از امام عسکری علیه السلام روایت شده که فرمود: علامات مؤمن پنج تا است: خواندن 51 رکعت نماز در شبانه روز (نمازهای واجب و نافله)، به دست کردن انگشتری در دست راست، پیشانی بر خاک نهادن، بلند خواندن بسم الله الرحمن الرحیم در نماز و زیارت اربعین.

شیخ طوسی سپس متن زیارت اربعین را با سند به نقل از حضرت صادق علیه السلام آورده است:

ص: 56

صفي الله و ابن صفيه... (1)

در كتاب «نزهة الزاهد» هم كه در قرن ششم ه. ق تأليف شد، آمده است: «در بيستم اين ماه بود كه اهل حرم محترم حسين عليه السلام، از شام به مدينه آمدند». (2)

برخی مورخان، افزون بر آمدن اهل بيت امام حسين عليه السلام در بيستم صفر و همراه شدن جابر بن عبدالله انصاری، قضيه مهم ديگري را نيز مطرح می کنند و آن الحاق سر شهدا، به پيكر مطهر آنان در اين روز است. ابوريحان بيروني، محقق و رياضيدان شهير (م. 440 ه. ق) در كتاب نفيس خود، «الآثار الباقية» چنین می گوید: «وفي العشرین رد رأس الحسين عليه السلام الى جثته حتى دفن مع جثته و فيه زيارة الاربعةین و هم حرمه بعد انصرافهم من الشام»؛ (3) «سر مقدس امام حسين عليه السلام، در بيستم صفر به جسد مطهر امام برگردانده و با پيكرش دفن شد».

همچنين «خواند مير»، مورخ معروف (م. 942 ه. ق)، اربعين را اصح روايات در دفن سر مطهر امام حسين عليه السلام دانسته است و می گوید: «امام چهارم با خواهران و... در بيستم شهر صفر، سر امام حسين عليه السلام و ساير شهيدان كربلا را به بدن های ايشان منضم ساخت». (4) عبدالله بن محمد الشبراوی، شيخ جامع ازهر قاهره، صاحب كتاب «الاتحاف بحب الاشراف»

ص: 57

---

1- . مصباح المتعجد و سلاح المتعبد، ج 2، ص 788.

2- . نزهة الزاهد، ص 241.

3- . الآثار الباقية، ج 2، ص 22، به نقل از ترجمه الآثار الباقية، ص 392.

4- . حبيب السير، ج 2، ص 60.



(م. 1172 ه. ق) می گوید: «بعد از چهل روز، سر به بدن ملحق شد»<sup>(1)</sup>.

بر اساس اعتباری که این روز در میان شیعیان داشته است، شیعیان به حرمت آن، زیارت اربعین می خوانده اند و اگر می توانستند، مانند جابر، بر مزار امام حسین علیه السلام جمع می شدند و آن امام را زیارت می کردند. این سنت تا به امروز در عراق با قوت برپاست و شاهدیم که میلیون ها شیعه عراقی و غیر عراقی، در این روز بر مزار امام حسین علیه السلام جمع می شوند.<sup>(2)</sup>

### پرسش چهاردهم: مکان قبر امام حسین علیه السلام

برخی ادعا می کنند محل دفن امام حسین علیه السلام، نامشخص است. با این حال چگونه ممکن است جابر، در اربعین، امام حسین علیه السلام را زیارت کرده باشد؟

پاسخ

درباره محل دفن پیکر امام حسین علیه السلام، تقریباً هیچ اختلافی وجود ندارد. از همان روزهای اول حادثه جانسوز، برای خود اهل بیت علیهم السلام و افرادی دیگر از بنی اسد، که در دفن شهدای کربلا آمده بودند، قبر امام حسین علیه السلام، یاران و اهلیتشان مشخص بود. شیخ مفید می نویسد:

گروهی از بنی اسد، که در غاضریه بودند، نزد اجساد مطهر امام حسین علیه السلام و یارانش آمده، بر آنان نماز گزارده، آنان را دفن کردند. بدین ترتیب که حسین علیه السلام در همین جایی است که اکنون، قبر شریف اوست و فرزندش علی اصغر، کنار پای حضرت است. برای

ص: 58

1- . مقتل مقرر، ص 469، به نقل از الاتحاف بحب الاشراف، ص 12.

2- . مقاله دلیل بزرگداشت اربعین چیست، رسول جعفریان، ماهنامه معارف، ش 73، بهمن 88.

شهیدان (از خاندان و یاران آن بزرگوار که اطرافش به زمین افتاده بودند) گودالی در پایین پای حسین علیه السلام کنده، همگی را گرد آورده، در آنجا دفن کردند. عباس بن علی علیه السلام را نیز در همان جا که کشته شده بود، سر راه غاضریه (جایی که اکنون قبر اوست) دفن کردند. (1)

برخی باور دارند که امام سجاده علیه السلام و بنی اسد اجساد شهدا را دفن کرده اند. عده ای از بنی اسد، فردای عاشورا، پس از رفتن سپاه عمر سعد، برای دفن شهدای کربلا آمدند (2) و چون اجساد را نمی شناختند، متحیر بودند. در آن هنگام، حضرت سجاده علیه السلام آمد و پیکر اهل بیت و اصحاب را يك به يك به آنان شناساند و آنان در دفن شهدا، حضرت را یاری کردند و برای خویش افتخار آفریدند. (3)

طرفداران این مبنای باور دارند که در روز یازدهم محرم، هنگام حرکت اهل بیت به سوی کوفه، بدن شهدا دفن شده بود. اینان در برابر این پرسش که چگونه امام سجاده علیه السلام که اسیر بود، اجساد را دفن کرده، می گوید: امام سجاده علیه السلام با بهره گیری از امدادهای غیبی، به طور معجزه آسا شهدا را دفن کرده. مرحوم مجلسی می گوید:

از برخی راویان نقل شده که نزد امام رضا علیه السلام بودم. علی بن ابی حمزه، ابن سراج و ابن مکاره، وارد شدند. پس از سخنانی که میان آنان و امام، درباره امامت گذشت، علی بن ابی حمزه گفت: «از

ص: 59

---

1- . ارشاد مفید، ص 118.

2- . مروج الذهب، ج 3، ص 63.

3- . فرهنگ عاشورا، ص 77.

پدرانت برای ما روایت شده که عهده دار امر دفن امام، جز امام نمی شود». از امام پرسید: «پس بگو حسین بن علی علیه السلام امام بود یا نه؟». فرمود: «امام بود». پرسید: «چه کسی عهده دار کار او شد؟». فرمود: «علی بن الحسین علیه السلام». پرسید: «او کجا بود؟ او که در دست ابن زیاد اسیر بود!» فرمود: «بی آنکه بفهمند، بیرون آمد و پدرش را دفن کرد و برگشت».

امام رضا علیه السلام فرمود: «خدایی که می تواند امام سجاده علیه السلام را به کوفه ببرد، تا پدرش را دفن کند، می تواند صاحب امر امامت را به بغداد برساند، تا عهده دار کفن و دفن پدرش شود و برگردد، در حالی که نه در زندان است، نه اسیر».<sup>(1)</sup>

مقرم نیز می گوید:

چون امام سجاده علیه السلام آمد، بنی اسد را دید که کنار کشتگان گرد آمده اند، سرگردانند، نمی دانند چه کنند و کشته ها را نمی شناسند؛ چون بین بدن ها و سرهای مقدس، جدایی انداخته بودند و گاهی از بستگان آنان می پرسیدند.

امام سجاده علیه السلام به آنان خبر داد که برای دفن این اجساد پاك، آمده است. آنان را با نام و مشخصات معرفی کرد. هاشمیان را از دیگران شناساند. ناله و شیون برخاست و اشک ها جاری شد و زنان بنی اسد، مو پیشان کردند و سیلی به صورت زدند و بلند گریه کردند. به محل قبر آمد، کمی از خاک ها را کنار زد. قبر حاضر و آماده و صندوقی شکافته، آشکار شد. حضرت دستان خود را زیر کمر امام

ص: 60

حسین علیه السلام گشود و گفت: «بسم الله و بالله و علی ملة رسول الله، صدق الله ورسوله، ماشاء ولا حول ولا قوة الا بالله العظيم». امام به تنهایی بی آنکه بنی اسد در این کار همراهی اش کنند، پیکر مطهر را وارد قبر کرد و به آنان گفت: «همراه من کسی هست که یاری می کند».

چون او را در قبر نهاد، صورت بر آن رگ های بریده نهاد و گفت: «خوشا سرزمینی که پیکر پاک تو را در بر گرفت! دنیا پس از تو تاریک است و آخرت با فروغ جمالت، روشن است. بعد از تو شب هایمان سخت و اندوهمان همیشگی است، تا آنکه خداوند برای خاندان تو، سرای آخرت را برگزیند که تو در آنی. سلام و رحمت و برکات الهی بر تو باد از من، ای فرزند رسول خدا!». و بر قبر نوشت: این قبر حسین بن علی بن ابی طالب است که او را لب تشنه و غریب، شهید کردند.

آن گاه به طرف عمویش عباس رفت و او را در همان حال دید که فرشتگان آسمان ها را دهشت زده و حوریان بهشتی را گریان ساخته بود. خود را روی بدن مقدس او انداخت و رگ های بریده اش را می بوسید و می گفت: «پس از تو خاک بر سر دنیا! ای قمر بنی هاشم! از من سلام بر تو باد، ای شهید خدایی! رحمت و برکات الهی بر تو باد!». برای او نیز قبری گشود و به تنهایی او را وارد قبر کرد، همان گونه که برای پدرش کرد و به بنی اسد فرمود: «با من کسانی اند که یاری ام می کنند». آری، برای بنی اسد مجالی گذاشت تا در دفن شهدای دیگر، مشارکت کنند. دو جا برای آنان تعیین

کرد و فرمود تا دو گودال کنند؛ در اولی بنی هاشم را و در دیگری اصحاب را قرار دادند. (1)

بنابراین همه نقل ها بر این تأکید دارد که قبر مطهر سالار شهیدان، در محل قتلگاه بود و تعدادی زیادی از مردم بنی اسد، که خود در دفن حضرت با امام سجاد علیه السلام همکاری داشتند، از محل قبر امام حسین علیه السلام، آگاهی داشتند. جابر نیز مقارن با ورود اهل بیت علیهم السلام از شام به کربلا، به محل قبر امام حسین علیه السلام رسید و بر فرض که قبر امام حسین علیه السلام برای هیچ کس معلوم نبود، برای امام سجاد علیه السلام که معلوم بود.

### پرسش پانزدهم: اعتبار مقتل ابومخنف

آیا زیارت اربعین امام حسین علیه السلام، مدرکی جز مقتل ابومخنف ندارد؟

پاسخ

در پاسخ به این ادعا باید گفت که تنها ابومخنف نیست که موضوع اربعین سید الشهداء علیه السلام را نقل کرده است، بلکه کسانی دیگری نیز هستند که این مسئله را بیان کرده و به آن صحه گذاشته اند. ابوریحان بیرونی (م. 440 ه. ق) به صراحت تمام گفته است:

در روز بیستم [صفر]، سر حسین علیه السلام به بدنش ملحق و در همان مکان دفن شد و زیارت اربعین، درباره این روز (بیستم صفر) است و آنان (چهل نفر) اهل بیت او بودند [که] پس از بازگشت از شام، [قبر امام علیه السلام را زیارت کردند]. (2)

ص: 62

---

1- . مقتل الحسین، مقرر، ص 469.

2- . الآثار الباقية عن القرون الخالية، ص 331.

ایشان افزون بر دلیل مشهور، مطلب دیگری را بیان کرده است: «این زیارت را اربعین گویند، زیرا چهل تن از اهل بیت امام حسین علیه السلام، روز بیستم صفر، موفق به زیارت قبر سید الشهداء علیه السلام شدند».

از دیگر شخصیت های علمی که به مسئله اربعین تصریح کرده اند، شیخ مفید (م. 413 ه. ق) در کتاب «مسار الشیعه»،<sup>(1)</sup> شیخ طوسی، در کتاب مصباح المتعجد ذیل ماه «صفر»،<sup>(2)</sup> شیخ بهائی<sup>(3)</sup> و نویسندگان دیگری هستند که هر کدام، با مستندات که در این باره در اختیار داشته اند، به تبیین اربعین سالار شهیدان پرداخته اند. بنابراین ابی مخنف، تنها یکی از کسانی است که مسئله اربعین را در تاریخ ثبت کرد.

### پرسش شانزدهم: اربعین و سنت نبوی

آیا شیوه های عزاداری در اربعین، اسلامی است و احیای اربعین، بر خلاف سنت نبوی نیست؟

پاسخ

عزاداری شیعیان، چه در اربعین و چه در ایام دیگر، نه تنها بر خلاف سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله نیست، بلکه عین سنت ایشان است و به جرئت می توان گفت، اولین عزاداری درباره امام حسین علیه السلام، از سوی شخص رسول الله صلی الله علیه و آله بود. این تنها سخن و ادعای شیعیان نیست، بلکه در منابع

ص: 63

1- . مسار الشیعه، ص 46.

2- . مصباح المتعجد و سلاح المتعبد، ج 2، ص 788.

3- . توضیح المقاصد، ص 76.

معتبر اهل سنت نیز، روایاتی وجود دارد که این ادعا را اثبات می کند. صریح ترین روایت در این باره، از ام سلمه است. ما به دلیل اهمیت این روایت، متن عربی و ترجمه آن را می آوریم، تا صحت این ادعا روشن شود که آنچه را شیعیان از عزاداری انجام می دهند (البته با روش های گوناگون که مربوط به فرهنگ هر منطقه است) برگرفته از اصل دین و عمل به سنت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله است:

أم سلمه می گوید:

پیامبر صلی الله علیه و آله در خانه من خوابیده بود که حسین علیه السلام آمد. من کنار در نشستم و او را گرفتم، تا مبادا داخل شود و پیامبر صلی الله علیه و آله را بیدار کند. در این هنگام اندکی غافل شدم و حسین علیه السلام از دستم گریخت و بر شکم حضرت نشست. سپس ندبه و زاری رسول الله صلی الله علیه و آله را شنیدم. آمدم و گفتم: «یا رسول الله! متوجه او نشدم». رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «همانا جبرئیل علیه السلام نزد من آمد، در حالی که او روی شکم من نشسته بود و از من پرسید: او را دوست داری؟ گفتم: بله. گفت: همانا امت تو او را خواهند کشت. آیا می خواهی خاکی که در آن کشته می شود را نشان دهم. گفتم: آری، پس این تربت را نشان داد». در دستانش تربت سرخ بود، در حالی که گریه می کرد. (1)

ص: 64

---

1- . اتحاف الخیرة المهرة بزوائد المسانید العشره، ج 7، ص 238؛ «كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَائِمًا فِي بَيْتِي. فَجَاءَ حُسَيْنٌ يَدْرُجُ. قَالَتْ: فَفَعَدْتُ عَلَى الْبَابِ فَأَمَسَ كُتْبُهُ مَخَافَةً أَنْ يَدْخُلَ فَيُوقِظَهُ. قَالَتْ: ثُمَّ غَفَلْتُ فِي شَيْءٍ فِدَبَّ فِدَخْلَ فَفَعَدَعَلَى بَطْنِهِ. قَالَتْ: فَسَمِعْتُ نَحِيْبَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. فَجِئْتُ. فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَاللَّهِ مَا عَلِمْتُ بِهِ. فَقَالَ: إِنَّمَا جَاءَنِي جِبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ عَلَى بَطْنِي قَاعِدٌ. فَقَالَ لِي: اتَّحِبُّهُ؟ فَقُلْتُ: نَعَمْ، قَالَ: إِنَّ أُمَّتَكَ سَتَقْتُلُهُ. أَلَا أُرِيكَ التُّرْبَةَ الَّتِي يُقْتَلُ بِهَا؟ قَالَ: فَقُلْتُ: بَلَى، قَالَ: فَضْرَبَ بِجَنَاحِهِ فَاتَانِي بِهَذِهِ التُّرْبَةِ. قَالَتْ: فَأَذَا فِي يَدِهِ تُرْبَةً حَمْرَاءَ وَهُوَ يَبْكِي».

هیچ کس در تاریخ وجود ندارد که پیامبری از پیامبران یا سید و خاتم پیامبران، قبل از کشته شدنش بر او گریه کرده باشد، مگر امام حسین علیه السلام. حالا اگر رسول الله صلی الله علیه و آله پس از شهادت امام حسین علیه السلام می بود، چه می کرد؟ او که پیش از شهادتش گریه و شیون کرد.

اگر مقصود از این خلاف سنت، پیاده روی برای زیارت اربعین باشد، این هم مستند به روایات است، که از ائمه علیهم السلام به ما رسیده است. روایات متعددی درباره پیاده رفتن (ماشیاً) به زیارت امام حسین علیه السلام وجود دارد. جالب آنکه این رسم، از همان بدو وقوع واقعه عاشورا مرسوم شد، که زیارت جابر، عطیه کوفی و بعد کاروان اسیران، با حضور امام سجاد علیه السلام و حضرت زینب علیها السلام، شاهی است بر این مدعا.

بنابراین بزرگداشت پیاده روی اربعین، هم از سوی امام معصوم (امام سجاد علیه السلام)، تقریر شده است و هم به نوعی به عنوان شعائر الهی، در میان شیعه و اصحاب معصومان (جابر بن عبدالله انصاری و عطیه)، مرسوم بوده است؛ همچنان که سیره علماء و فقهاء شیعه بر این امر، تاکنون و در طی قرن ها، مستمر بوده است. همچنین در آداب تعلیمی امام صادق علیه السلام به شیعیان، زیارت روز اربعین، سفارش شده است.

ابن قولویه در کتاب ارزشمند کامل الزیارات، از امام صادق علیه السلام در فضیلت پیاده روی برای زیارت امام حسین علیه السلام، چنین نقل می کند:

ای علی! قبر حسین علیه السلام را زیارت کن و ترك مکن. عرض کردم: ثواب کسی که آن حضرت را زیارت کند چیست؟ حضرت فرمود: کسی که آن حضرت را پیاده زیارت کند، خداوند برای هر قدمی که برمی دارد، يك حسنه می نویسد، يك گناه از او محو می کند، و



يك درجه، مرتبه اش را بالا می برد؛ و وقتی به زیارت رفت، حق تعالی دو فرشته را موکل او می فرماید که آنچه خیر از دهان او خارج می شود، بنویسند و آنچه شر و بد است، ننویسند؛ و وقتی برگشت، با او وداع کرده و به وی می گویند: ای ولی خدا! گناهانت آمرزیده شد و تو از افراد حزب خدا و حزب رسول او و حزب اهل بیت رسولش هستی. به خدا قسم! هرگز تو آتش را به چشم نخواهی دید و آتش نیز هرگز تو را نخواهد دید و تو را طعمه خود نخواهد کرد. (1)

بنابراین زیارت اربعین، نه تنها مخالف با سنت رسول الله صلی الله علیه و آله نیست، بلکه نوعی تجدید میثاق با امام حسین علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام است. ابراز وفاداری نسبت به آنان و راه و مرامشان، ابراز عداوت و برائت نسبت به قاتلان و دشمنان آنان، در حقیقت احیای سنت رسول الله صلی الله علیه و آله است که از سوی دشمنان ایشان، به کنار گذاشته شده بود.

### پرسش هفدهم: بازنگشتن اسیران به کربلا

برخی مدعی اند اسیران کربلا، هیچ وقت به کربلا بازنگشتند، نه در اربعین اول و نه سال های بعدی. پاسخ چیست؟

ص: 66

---

1- . کامل الزیارات، ص 134؛ «عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: يَا عَلِيُّ! زُرِ الْحَسَّ بْنَ وَ لَا تَدَعُهُ. قَالَ: قُلْتُ مَا لِمَنْ أَتَاهُ مِنَ الثَّوَابِ؟ قَالَ: مَنْ أَتَاهُ مَا شِئَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةً وَ مَحَى عَنْهُ سَيِّئَةً وَ رَفَعَ لَهُ دَرَجَةً. فَإِذَا أَتَاهُ، وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ مَلَكَينِ يَكْتُبَانِ مَا خَرَجَ مِنْ فِيهِ مِنْ خَيْرٍ وَ لَا يَكْتُبَانِ مَا يَخْرُجُ مِنْ فِيهِ مِنْ شَرٍّ وَ لَا غَيْرَ ذَلِكَ. فَإِذَا انْصَرَفَ وَ دَعَا وَ قَالَوا: يَا وَلِيَّ اللَّهِ مَغْفُوراً لَكَ أَنْتَ مِنْ حِزْبِ اللَّهِ وَ حِزْبِ رَسُولِهِ وَ حِزْبِ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِهِ، وَ اللَّهُ لَا تَرَى النَّارَ بِعَيْنِكَ أَبَداً وَ لَا تَرَكَ وَ لَا تَطْعَمُكَ أَبَداً».

اینکه گفته می شود اسیران به کربلا برنگشتند، خلاف واقعیت تاریخی است؛ زیرا دانشمندان زیادی معتقدند اهل بیت امام حسین علیه السلام در بیستم صفر، یعنی اولین اربعین شهادت امام حسین علیه السلام، به کربلا رسیدند و همراه با جابر بن عبدالله انصاری، صحابی بزرگ رسول الله صلی الله علیه و آله، شهدای کربلا را زیارت کردند. از این رو آنها به عنوان اولین زائران امام حسین علیه السلام، در تاریخ ثبت و ضبط شده اند. برخی از نویسندگانی که به این مسئله تصریح کرده اند، عبارت اند از: ابوریحان بیرونی، دانشمند پرآوازه قرن پنجم، بر اساس مستندات که در اختیار داشت، با اطمینان می گوید: «در روز بیستم صفر، سر حسین علیه السلام به بدنش ملحق و در همان مکان دفن شد و زیارت اربعین نیز در این روز (بیستم صفر) بود و آنان، چهل نفر بودند که پس از بازگشت از شام، قبر امام را زیارت کردند».(1)

\* مستوفی هروی، از مورخان قرن ششم هجری و مترجم کتاب الفتوح ابن اعثم، بر این باور است که علی بن الحسین علیه السلام، با سایر اهل بیتش، در روز بیستم صفر در کربلا حضور داشتند.(2)

\* ملاحسین واعظ کاشفی، از قول خوارزمی نوشته است که امام زین العابدین علیه السلام، سر پدر بزرگوار خود را با سرهای دیگر تحویل گرفت و به کربلا رفت و در بیستم ماه صفر، سر آن سرور، به بدن اطهر انضمام یافت.(3)

ص: 67

1- . الآثار الباقیه، ص 331.

2- . ترجمه الفتوح، ص 916.

3- . روضه الشهداء، ص 391.

\* ابراهیم بن محمد اسفراینی، نویسنده کتاب نورالیقین نیز بر آن است که اهل بیت علیهم السلام، در روز بیستم صفر در کربلا حضور داشتند و در آنجا، جابر و گروهی از اهل مدینه را ملاقات کردند. (1)

\* شیخ بهائی می گوید:

روز نوزدهم از صفر، زیارت اربعین ابا عبدالله الحسین علیه السلام است... این روز که چهل روز از شهادت امام می گذشت، روز ورود جابر بن عبدالله انصاری برای زیارت قبر امام حسین علیه السلام است و آن روز، با روز ورود اهل بیت امام از شام به کربلا، یکی شد، در حالی که آنان، آهنگ رفتن به مدینه را داشتند. (2)

آنچه ذکر شد، دیدگاه چند تن از بزرگان و دانشمندان سرشناس این عرصه بود، که به صراحت، حضور اهل بیت امام حسین علیه السلام را در اولین اربعین شهادت ایشان، بیان کرد. قطعاً شخصیت های علمی یاد شده بر اساس مستندات که داشته اند با این قاطعیت مسئله را تبیین نموده اند.

### پرسش هجدهم: اربعین و سیاست

آیا برگزاری باشکوه اربعین، به دلایل سیاسی است؟

پاسخ

اگر خوب به تاریخچه پیاده روی اربعین حسینی بنگریم، یقین خواهیم کرد که این مراسم دینی با عظمت، مردمی ترین مراسمی است که در دنیا

ص: 68

---

1- . نور العین فی مشهد الحسین، ص 72.

2- . توضیح المقاصد، صص 6-7.

برگزار می شود و سیاست، هیچ گونه دخالتی در آن ندارد. پیش از اینکه دولت های شیعه در ایران و عراق به وجود بیاید، شیعیان عراق، به ویژه علما و بزرگان، در ایام اربعین، از نجف به کربلا پیاده می رفتند و موکب ها و پذیرایی ها (در حد محدود، نه به این گستردگی که اکنون وجود دارد) صورت می گرفت.

علما و بزرگانی که سال های قبل در نجف می زیستند، خاطرات خویش را از سنت پیاده روی اربعین بازگو کرده اند. آیت الله مکارم شیرازی در این باره فرمود:

زمانی که بنده در نجف تحصیل می کردم، دو بار موفق شدم در پیاده روی از نجف تا کربلا، شرکت کنم؛ اما در آن روزگار، دسته های کوچکی، پیاده روی می کردند. جاده ها در گذشته امنیت زیادی نداشت. زمانی که در این مسیر در حال پیاده روی بودیم، پنجه پاهایمان در کفش زخم می شد. از این رو با پای برهنه پیاده روی می کردیم و در مسیر، گاهی خار به پایمان می رفت و بعد از اینکه خار را در می آوردیم، به راه خود ادامه می دادیم. (1)

به جرئت می توان گفت که هیچ سیاست و سیاستمداری، در عالم توان آن را ندارد که چنین حرکت عظیمی را با این کمیت و کیفیت، برگزار کند. کدام دولت در دنیا می تواند میلیون ها نفر را با این گونه احساسات وصف ناپذیر و سرشار از معنویت، راه بیاندازد و تمام امکانات از قبیل

ص: 69

غذا، مکان و احتیاجات دیگر آنها را برآورده کند. دولت عربستان با درآمد هنگفت که از حجاج می گیرد و با يك سال برنامه ریزی، حداکثر دو میلیون حاجی را نمی تواند پذیرایی کند و هر سال شاهد کشتارهای دلخراش ضیوف الله در منا و جاهای دیگر هستیم. بنابراین مدیریت این حرکت عظیم، از توان دولت ها خارج است.

البته می توان گفت که راهپیمایی بزرگ شیعیان در روز اربعین، مصداق واضحی از يك قدرت نمایی نرم است، که مهم ترین کارکرد آن، انتشار پیام جهانی عاشورا برای سایر ملت های جهان به ویژه جهان اسلام است. بی گمان این راهپیمایی عظیم، که از نجف و سایر شهرهای اطراف کربلا آغاز و به کربلا ختم می شود، می تواند تجدید بیعتی باشد با تمام آنچه در کربلا گذشت. این حرکت عظیم، پیام روشنی به استکبار و وابسته های آنهاست که پیروان حسین علیه السلام، هرگز زیر بار ذلت نخواهند رفت و با الهام از پیام عاشورا، هیچ گاه در مقابل مستکبران کوتاه نخواهند آمد.

با توجه به آنکه این حرکت يك حرکت کاملاً مردمی و خودجوش است، امکان انتساب آن به جریان های دولتی و سیاسی کردن آن، وجود ندارد. البته از آنجایی که در باور شیعه، سیاست از دیانت جدا نیست، اگر این مراسم بزرگ، رنگ سیاسی به خود بگیرد و قدرت معنوی شیعیان را به عالم نشان دهد و وحشت به دل دشمنان اسلام و استکبار جهانی بیاندازد، قطعاً در راستای اهداف نهضت حسینی خواهد بود.

آیا شیعیان در تقابل با اهل سنت، مراسم اربعین را برگزار می کنند؟

پاسخ

برخی از رسانه های عربی، تلاششان بر این است که این حرکت را به نوعی عرض اندام و خودنمایی شیعیان در برابر اهل سنت تلقی کنند، در حالی که بسیاری از اهل سنت عراق هم، در این مراسم شرکت دارند. عشایر غرب عراق، با نمادهای خودشان در مراسم اربعین شرکت می کنند و این امر، نشان می دهد که این حرکت، نوعی تلاش برای ایجاد وحدت میان شیعه و سنی تلقی است.

بی شک امام حسین علیه السلام، یکی از نمادهای وحدت میان فرقه های اسلامی است و متعلق به همه مسلمانان است و همه می توانند از وجود نورانی آن حضرت در زندگی سیاسی، اجتماعی و دینی خویش بهره ببرند. البته که شیعیان در تمسک به مکتب عاشورا، از همه فرقه های اسلام جلوترند و از همه بیشتر، از این چراغ هدایت استفاده کرده اند، ولی این گونه نیست که برادران اهل سنت، از این قضیه به کلی بر کنار بوده و بی تفاوت از آن گذشته باشند. وقتی به تاریخ بنگریم، بزرگانی از علمای اهل سنت را می یابیم که از واقعه روز عاشورا و آنچه بر خاندان پیامبر گذشت، متألم و عزادار بودند.

زید ابن ارقم، از بزرگان صحابه، پس از شهادت امام حسین علیه السلام و اسارت اهل بیت علیهم السلام، به حاکمیت اعتراض کرد و در مجلس ابن زیاد، به شدت گریست. هنگامی که ابن زیاد با چوب دستی بر لب و دندان امام

حسین علیه السلام می زد، زید با اعتراض گفت: «چوب دستی ات را بردار. به خدا شاهد بودم که رسول خدا صلی الله علیه و آله، مابین دو لب حسین علیه السلام را می بوسید» و سپس گریست. ابن زیاد او را تهدید به مرگ کرد. پس زید فریاد زد: «ای مردم! شما از این پس جزو بردگانید؛ پسر فاطمه را کشته اید و پسر مرجانه را امارت داده اید». (1)

حسن بصری، شخصیت معروف در میان اهل سنت، پس از شنیدن خبر شهادت امام حسین علیه السلام، به شدت گریست و گفت: «امت ذلیل، امتی است که پسر دختر پیامبرش را می کشد». (2) بسیاری از فقهای سنی مذهب اهل کوفه، به ویژه ابوحنیفه، از سرسخت ترین طرفداران قیام های علویان بودند. ابوحنیفه و بسیاری دیگر از فقها، هم در جریان قیام زید بن علی بن حسین علیه السلام (3) و هم در جریان قیام حسنین به رهبری محمد نفس زکیه و ابراهیم بن محمد، به حمایت آنان برخاستند و به نفع آنان، فتوا صادر کردند. (4)

همچنین می توان از سبط ابن جوزی و یحیی بن سلامه حفصکی، که قصیده ای در مدح دوازده امام و قصیده ای دیگر در رثای اباعبدالله الحسین علیه السلام دارد، نام برد. (5) عبدالجلیل رازی، از عالمان قرن ششم و صاحب کتاب النقص، در مقابل نویسنده سنی مذهب دیگری که به

ص: 72

- 
- 1- . تذکرة الخواص، ص 231.
  - 2- . همان، ص 240.
  - 3- . مقاتل الطالبین، ص 140.
  - 4- . همان، ص 314.
  - 5- . تأملی در نهضت عاشورا، صص 282-283.

عزاداری امام حسین علیه السلام خرده گرفته بود، به دفاع از آن برمی خیزد و می نویسد: «بزرگان و معتبران ائمه، از اصحاب امام مکرم ابوحنیفه و امام مکرم شافعی و علما و فقهای طوایف فریقین، خلفاً عن سلف، این سنت را رعایت کرده اند».<sup>(1)</sup> اطلاعاتی که وی از عزاداری امام حسین علیه السلام در میان اهل سنت می دهد، بسیار ارزشمند است. وی از شخصیت های برجسته بسیاری از اهل سنت، چون خواجه بو منصور در اصفهان و خواجه علی غزنوی حنفی در بغداد، نام می برد، که در روز عاشورا با شور و هیجانی فراوان، به سوگواری امام حسین علیه السلام می پرداختند.<sup>(2)</sup>

عبدالرحمن جامی حنفی (817-898 ه. ق) هنگام دیدار از کربلا، اشعاری در وصف امام حسین علیه السلام سرود:

کردم ز دیده، پای سوی مشهد حسین

هست این سفر به مذهب عشاق فرض عین.<sup>(3)</sup>

به جز این موارد، می توان از برخی عالمان حنفی نام برد که کتاب هایی در رثای امام حسین علیه السلام نگاشته اند؛ مانند محمود بن عثمان حنفی رومی، نویسنده «مقتل الامام الحسين ابن علي ابن ابي طالب في كربلاء»<sup>(4)</sup> قادر بخش بن حسن علی حنفی، نگارنده «جور الاشقیاء»، علی ریحانه سید الانبیاء<sup>(5)</sup> و شیخ علی انور بن علی اکبر حنفی، نویسنده کتابی با عنوان «شهادة الکونین فی مقتل سیدنا الحسین السبط».<sup>(6)</sup>

ص: 73

---

1- . تأملی در نهضت عاشورا، صص 402-405

2- . همان.

3- . کلیات دیوان جامی، ص 27.

4- . هدیه العارفین، ج 2، ص 412.

5- . نزهة الخواطر و بهجة المسامع و النواظر، ج 8، ص 307.

6- . همان، ص 328.



امروزه نیز اهل سنت، یا خود به عزاداری امام حسین علیه السلام می پردازند، یا با شیعیان در عزاداری شرکت می کنند؛ چنان که دکتر علی الوردی، در کتاب خود با عنوان «دراسة فی طبیعة المجتمع العراقي» به این اشتراك شیعه و سنی در عزای حسینی، اشاره می کند و می نویسد: «کم دیده نمی شود که محله سنی نشین با محله شیعه نشین، در بعضی مجالس حسینی مشارکت می کنند و گاهی نیز در تقدیس مراقد و امامان شیعه، این مشارکت دیده می شود».<sup>(1)</sup>

با توجه به آنچه گذشت و همچنین واقعیت های عینی که در عصر اطلاعات برای همه روشن است، بسیار دور از واقعیت و غیر منصفانه خواهد بود که گفته شود، شیعیان مراسم باشکوه اربعین را در تقابل با اهل سنت انجام می دهند! اهل سنت، خود عزادار امام حسین علیه السلام هستند، همراه با شیعیان، هر سال در پیاده روی اربعین شرکت می کنند و موكب های عزاداری برپا می دارند.<sup>(2)</sup> علمای معاصر اهل سنت، درباره راهپیمایی اربعین، دیدگاهشان را بیان داشته اند که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

\* ماموستا ملامصطفی محمودی، امام جمعه پیرانشهر، با اشاره به اهمیت زیارت امام حسین علیه السلام در کربلا گفت: رفتن به کربلا و زیارت امام حسین علیه السلام، در هر زمانی مناسب است و در ایام اربعین، بهتر است. زیارت اهل قبور و به ویژه صالحان و بزرگان، برای اهل تسنن مستحب است. اهل سنت خوب است به زیارت

ص: 74

---

1- . تاریخ النياحة، ج 2، ص 47، به نقل از دراسة فی طبیعة المجتمع العراقي، ص 236.

2- . <http://www.mehrnews.com/news/2442310>.

امام حسین علیه السلام بروند، که از اولیای الهی است و در راه حق و برای اصلاح امور جدش، رسول الله صلی الله علیه و آله شهید شد.

ماموستا محمودی اظهار داشت: امام حسین علیه السلام محبوب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بود و فرقی میان احترام، شخصیت، امام و راهنما بودن او و پیامبر صلی الله علیه و آله در ولایت بر مردم نیست. جز اینکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله، پیامبر بود، ولی امام حسین علیه السلام، مقام پیامبری نداشت؛ ولی مقام ولایت داشت، که یک مرتبه پایین تر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. تنها شیعیان، محب امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام نیستند، بلکه محبت اهل بیت علیهم السلام، بر همه واجب است و در میان اهل تسنن، اسم حسن و حسین، به وفور یافت می شود. ولی یک نفر را نمی بینید که اسمش یزید باشد؛ چون از یزید، نفرت دارند و اکثریت اهل تسنن، بر یزید و بر کسانی که او را یاری کردند، لعنت می فرستند.

ماموستا محمودی، ضمن اشاره به مراسم ایام اربعین حسینی و با بیان اینکه همه مسلمانان، در چنین روزهایی غمگین هستند، گفت: در روایات اهل سنت داریم که در قیامت، حضرت زهرا علیها السلام، ستون عرش را می گیرد و از خدا می خواهد که ضمن محاکمه قاتل فرزندش، او را شفیع برای گریه کنندگان بر امام حسین علیه السلام قرار دهد و خداوند هم، او را شفیع قرار می دهد.

امام جمعه اهل سنت پیرانشهر می گفت: اگر کسی در راه زیارت کشته شود، به شهادت می رسد و شهادت در این راه، افتخار است و این، باعث شده که این تجمع عظیم، در 20 صفر به وجود آید.

\* شیخ محمدعزیز حنیفی، عضو شورای برنامه ریزی مدارس علوم دینی اهل سنت، در توضیح اینکه 20 صفر مصادف با بازگشت اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله بعد از واقعه جانسوز عاشورا به کربلاست و آزادگان جهان، در این روز برای ابراز همدردی با کاروان اسرا، با پای پیاده به کربلا می روند، گفت: امروزه ما مسلمانان در عصر پرتلاطم و فضای آشفته، نیازمند چیزی هستیم که حیات جاودانی و همگانی را تضمین کند و آن ایمان است؛ خداوند فرموده است، اهل ایمان به همدیگر رحمت و شفقت دارند و نسبت به یکدیگر محبت می کنند.

\* امام جمعه اهل سنت شهر فیشور، در پاسخ به این سؤال که در 20 صفر، اهل سنت هم مانند دیگر مسلمانان در پیاده روی به سوی کربلا شرکت می کنند یا از عزاداران پذیرایی می کنند، اظهار داشت: ایمان، ولایت ایجاد می کند و رابطه همه با هم، يك رابطه ولایت ایمانی است. در حقیقت ولایت ایمانی است که منشأ خیر و تقرب و نزدیکی بندگان خدا به یکدیگر و در نهایت تقرب به خداست.

\* شیخ احمد خنجی، امام جمعه اهل سنت پارسیان گفت: کربلا نماد تبلور وحدت و بیعت با امام حسین علیه السلام است، که نمود جهانی دارد و چنان که در نوشته ها می بینیم، زیارت مزار امام حسین علیه السلام، سابقه طولانی دارد. این عالم اهل سنت با اشاره به تهدیدهای صورت گرفته در خصوص تجمع مسلمانان در اربعین حسینی تصریح کرد: این گونه زیارت دسته جمعی، در عرصه تاریخ به سختی انجام می شده و همیشه جان زائران در خطر بوده است. با این

وجود زائران، عاشقانه خطرات را به جان می خریدند و امروز نیز این چنین است.

وی با اشاره به اینکه یکی از ایده ها و عقیده های اهل سنت، زیارت مزار بزرگان است و اهل سنت هم در کربلا به زیارت امام حسین علیه السلام می روند، گفت: تجمعی که در 20 صفر و در کربلا صورت می گیرد، تجمعی است که آزادگان جهان، بدون توجه به دین و مذهب در آن شرکت می کنند و با اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله، که در کربلا مورد ظلم قرار گرفتند، ابراز همدردی می کنند. شیخ خنجی افزود: این تجمع، نمادی برای مقابله با ظلم، گویای تظلم خواهی، و نوعی اعتراض به ظلم و ستم ها در گذشته و حال است و مسلمانان باید همیشه نسبت به ظلم، عکس العمل نشان دهند و برای از بین بردن آن، اقدام کنند. (1)

### **پرسش بیستم: هزینه های زیارت اربعین**

چرا این همه برای اربعین هزینه می شود؟ بهتر نیست این پول ها در راه رفع مشکلات جوانان و فقیران مصرف شود؟

پاسخ

برای اینکه پاسخ این شبهه به خوبی روشن شود، نیاز است که به يك نکته اشاره کنیم و آن اینکه، پرداخت هزینه ها، دو نوع است:

1. انفاق واجب: مانند زکات، خمس، کفاره، آنچه به سبب نذر در مورد خاص واجب می شود و هزینه افراد تحت تکفل.

ص: 77

2. انفاق مستحب: مثل صدقه، تبرّعات، اوقاف و...

در مورد انفاق های واجب، که برای تأمین نیاز فقیران، یتیمان، سادات و... باید هزینه شود، مؤسسات دولتی و مردمی، باید به گردآوری و هزینه کردن آنها اقدام کنند و حق ندارند آن را در غیر از موارد تعیین شده، حتی در شعائر حسینی، هزینه کنند. اما نذورات و انفاق های مستحب، با انواع گوناگون آن، تابع نیت نذر کنندگان و هزینه کنندگان است. انفاق های داوطلبانه هم به اختیار خود اشخاص است که صرف چه کاری شود.

اموالی که در مسیر اربعین و زیارت امام حسین علیه السلام هزینه می شود، مانند نذورات برای شعائر حسینی، انفاقات داوطلبانه، صدقات، تبرّعات و اوقاف برای شعائر حسینی، خاص این مراسم است و کسی حق ندارد نذورات این راه را صرف کار دیگری کند، یا مردم را به هزینه کردن اموال خود در کاری دیگر مجبور نماید.

پس هر کدام جای خود را دارد و نمی توان یکی را به جای دیگری مصرف کرد. افزون بر این، کسانی که اهل کربلا رفتن هستند و در مکتب حسینی تربیت یافت اند، به فقیران نیز کمک می کنند. آنان در این مکتب، به خوبی آموخته اند که چگونه و به چه کسانی انفاق کنند. کسانی که چنین شبهاتی را مطرح می کنند، کسانی هستند که نه خود اهل زیارت اند و نه به فقرا کمک می کنند.

درباره سفر حج هم، نظیر این حرف ها در زمان ائمه معصومین علیهم السلام مطرح بود و در روایات، تأکید شده است که ثواب سفر حج، از انفاق در راه خدا بیشتر است. شاید نکته آن هم، همین باشد که سفر حج مقبول،

ص: 78

خود سبب انجام بسیاری از کارهای خیر، از جمله انفاق در راه خداست.

از این گذشته، بسیاری از این نذورات و هدایا، از سوی فقرا و نیازمندیانی است که عاشقانه در حد توان خود، در این امور حسینی سهیم می شوند. افزون بر این، فقرا نیز از این نذورات، بهره مند می شوند.

### **پرسش بیست و یکم: علت اختصاص اربعین به امام حسین علیه السلام**

چرا شیعیان، تنها برای امام حسین علیه السلام، مراسم اربعین می گیرند؟

پاسخ

هرچند شیعیان در طول سال، برای امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا عزاداری می کنند و در هر مصیبتی که برای هر کدام از شیعیان پیش می آید و عزیزان و بستگان خویش را از دست می دهند، بیش از اینکه بر عزیز از دست رفته خویش گریه کنند، بر مظلومیت امام حسین علیه السلام، و یاران ایشان گریه و عزاداری می کنند، اما اینکه چرا تنها برای امام حسین علیه السلام اربعین می گیرند، نه برای بقیه ائمه علیهم السلام، دلایلی خاصی دارد که به آنها اشاره می کنیم:

1. در نخستین اربعین شهادت امام حسین علیه السلام، جابر بن عبدالله انصاری، صحابی بزرگ رسول الله صلی الله علیه و آله و عطیه عوفی، موفق به زیارت تربت و قبر سید الشهداء علیه السلام شدند و اولین اربعین سید الشهداء، برگزار شد؛

2. اتفاق دیگری که مسئله اربعین امام حسین علیه السلام را برجسته کرده است، رسیدن امام سجاد علیه السلام و کاروان اسرای اهل بیت علیهم السلام، در بازگشت از شام به کربلاست. آنان برای شهدای کربلا، گریه و عزاداری کردند.

ص: 79

شیعیان نیز از همان ابتدا، با شرکت در عزاداری حضرت زینب علیها السلام و اسرای کربلا، برای احیای خاطره غمبار عاشورا و تداوم شور حسینی، همه ساله در اربعین، عزاداری می کنند؛

3. زیارت اربعین، دستور خاص دارد. بر اساس روایتی از امام حسن عسکری علیه السلام، زیارت امام حسین علیه السلام در روز اربعین، مستحب بوده و از نشانه های مؤمن است. امام عسکری علیه السلام فرمود: «نشانه های مؤمن پنج چیز است: 51 رکعت نماز، زیارت اربعین، انگشتر به دست راست کردن، پیشانی به خاک گذاشتن (در حال سجده) و بسم الله را (در نماز) بلند گفتن»؛<sup>(1)</sup>

4. فداکاری های امام حسین علیه السلام، دین را زنده کرد و نقش او در زنده نگه داشتن دین اسلام، کاملاً ویژه و منحصر به فرد است. بنابراین حماسه ها و فداکاری های امام حسین علیه السلام را باید زنده نگه داشت؛

5. مصائب امام حسین علیه السلام، برای هیچ امام و پیامبری پیش نیامده است. به بیان دیگر، مصیبت امام حسین علیه السلام و حوادث کربلا از همه مصیبت ها، بزرگتر و سخت تر بود. اگر عامل دیگری هم در کار نبود، همین عامل کافی بود که نشان دهد چرا برای امام حسین علیه السلام، بیش از امامان دیگر و حتی بیش از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، عزاداری و مراسم سوگواری و مدیحه سرایی برپا می کنیم؛

6. دشمنان اسلام با به شهادت رساندن امام حسین علیه السلام، قصد نابود کردن دین اسلام را داشتند. شیعیان هم برای مقابله با اینها، از هر مناسبتی

ص: 80

استفاده می کردند و حادثه کربلا را زنده نگاه می داشتند، که یکی از این مناسبت ها، حادثه روز اربعین است.

به طور کلی، تأکید و توصیه ای که از سوی ائمه علیهم السلام برای عزاداری امام حسین علیه السلام صورت گرفته است، در مورد هیچ امامی صورت نگرفته است و روایاتی که از ائمه علیهم السلام درباره ثواب زیارت امام حسین علیه السلام وجود دارد، درباره هیچ امامی وجود ندارد.

## پرسش بیست و دوم: پیاده روی و اغتنام فرصت

اگر هدف ما زیارت است، چرا چند روز و قتمان را صرف پیاده روی کنیم و از زیارت بیشتر در جوار امام حسین علیه السلام محروم بمانیم؟

پاسخ

البته که در پیاده روی در راه زیارت، دشواری ها و مشکلات بسیاری وجود دارد، ولی با توجه به روایتی که از رسول الله صلی الله علیه و آله آمده است که فرمود: «افضل الاعمال احمزها»؛<sup>(1)</sup> «بهترین اعمال، مشکل ترین آنهاست»، فلسفه این رفتار به خوبی روشن می شود و به طور کلی، عباداتی که با سختی همراه است، دارای ثواب بیشتری است.

در چگونگی به جا آوردن عبادات، ما تابع دستورات دینی ائمه اطهار علیهم السلام هستیم. در روایات متعددی از سوی بزرگان دین، به پیاده روی زیارت امام حسین علیه السلام بسیار تأکید شده است. امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

ص: 81

---

1- . بحار الانوار، ج 67، ص 238.



هر کس از خانه اش به قصد زیارت حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام بیرون آید، اگر پیاده باشد، خداوند برای هر گامش، حَسَنه ای می نویسد و يك زشتکاری را از او می زداید؛ و چون به حرم حسین علیه السلام رسید، خداوند، او را جزو رستگاران می نویسد؛ و چون زیارتش را به پایان برد، خداوند، او را از رهایی یافتگان می نویسد؛ و چون بنخواهد بازگردد، فرشته ای نزد او می آید و به او می گوید: «من، پیام آور خدایم. خداوند، به تو سلام می رساند و می فرماید: عمل از سر گیر، که گذشته ات آمرزیده شد». (1)

روشن است تأثیر زیارت با پیاده روی، در زیارت معمولی نخواهد بود. این حقیقتی است که باید از راهپیمایان این سفر معنوی و الهی پرسید. آنان معتقدند وقتی يك زائر، چون قطره ای به امواج خروشان دیگر شیعیان و محبان اهل بیت علیهم السلام می پیوندد و در مسیر عشق حسین علیه السلام گام برمی دارد، از نگاه معنوی و خودسازی، ره صد ساله را يك شبه طی می کند. بنابراین این سفر، با همه دشواری هایی که دارد، سهل و آسان می شود.

از آنجایی که زائر همچون قطره، به دریا متصل می شود، خود نیز دریا می شود و از ویژگی های دریا، این است که موج ایجاد می کند. انشاء الله در آینده ای نه چندان دور، شاهد رسیدن پیام اربعین به جهان خواهیم

ص: 82

---

1- . تهذیب الاحکام، ج 6، ص 44؛ الوافی، ج 14، ص 1467؛ «مَنْ خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ يَرِيدُ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، إِنْ كَانَ مَاشِيًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةً، وَحَطَّ بِهَا عَنْهُ سَيِّئَةٌ، حَتَّى إِذَا صَارَ بِالْحَائِرِ كَتَبَهُ اللَّهُ مِنَ الْمُفْلِحِينَ، وَإِذَا قَضَى مَنَاسِكَهُ كَتَبَهُ اللَّهُ مِنَ الْفَائِزِينَ، حَتَّى إِذَا أَرَادَ الْإِنصِيْرَافَ أَتَاهُ مَلَكٌ، فَقَالَ لَهُ: أَنَا رَسُولُ اللَّهِ، رَبُّكَ يَقْرِنُكَ السَّلَامَ، وَيَقُولُ لَكَ: اسْتَأْنِفِ الْعَمَلَ، فَقَدْ غُفِرَ لَكَ مَا مَضَى».

بود. بی دلیل نیست کسی که يك بار لذت پیاده روی را چشیده باشد، ممکن نیست که به سادگی بار دوم، سوم و... را از دست دهد. تا زمانی که انسان نرود، توجه پیدا نمی کند؛ انسان يك حال و هوای دیگری پیدا می کند؛ يك شور و نشاط و يك عشق دیگری پیدا می کند، که وصف ناپذیر است. نکته مهم و قدسی درباره پیاده روی اربعین در کلام مرحوم آیت الله بهجت است که فرمود:

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از ظهور، خود را به واسطه امام حسین علیه السلام، به همه عالم معرفی می کند. بنابراین در آن زمان، باید همه مردم عالم، حسین علیه السلام را شناخته باشند و پیاده روی اربعین، بهترین فرصت برای این کار است. (1)

ص: 83



1. اتحاف الخيرة المهرة بزوائد المسانيد العشره، ابوالعباس شهاب الدين احمد بن ابى بكر بن اسماعيل بن سليم بن قايماز بن عثمان البوصيرى الكنانى الشافعى، دار المشكاة للبحث العلمى باشراف ابوتميم ياسر بن ابراهيم، چاپ اول، الرياض، دار الوطن للنشر، 1420 هـ. ق.
2. احكام القرآن للجصاص، ابوبكر احمد بن على الرازى جصاص، تحقيق: محمد الصادق قمحاوى، بيروت، دار إحياء التراث العربى، 1405 هـ. ق.
3. اخبار مكة فى قديم الدهر وحديثه، ابو عبدالله محمد بن إسحاق بن العباس المكى الفاكهى، تحقيق: عبدالملك عبدالله دهيش، چاپ دوم، بيروت، دار خضر، 1414 هـ. ق.
4. ارشاد، محمد مفيد، ترجمه: محمد باقر ساعدى خراسانى، چاپ اول، تهران، اسلاميه، 1380 هـ. ش.
5. اضواء البيان فى ايضاح القرآن بالقرآن، محمد امين بن محمد شنقيطى، تحقيق: مكتب البحوث والدراسات، بيروت، دار الفكر للطباعة والنشر، 1415 هـ. ق.
6. الأمالى، محمد بن الحسن طوسى، چاپ اول، قم، دار الثقافة، 1414 هـ. ق.

7. الأملی، محمد بن علی ابن بابویه، چاپ ششم، تهران، کتابچی، 1376 ه. ش.
8. امام شناسی، سید محمد حسین حسینی تهرانی، چاپ سوم، مشهد، انتشارات علامه طباطبائی، 1426 ه. ش.
9. آثار الباقیه عن القرون الخالیه، ابوریحان بیرونی، تهران، انتشارات فردوس، 1390 ه. ش.
10. بحار الانوار، محمدباقر بن محمدتقی مجلسی، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1403 ه. ق.
11. البداية والنهاية، ابوالفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی البصری ثم الدمشقی، تحقیق: علی شیری، چاپ اول، دار احیاء التراث العربی، 1408 ه. ق.
12. بشارة المصطفی لشیعة المرتضی، طبری آملی، عمادالدین ابی جعفر محمد بن ابی القاسم، چاپ دوم، نجف، المكتبة الحیدریة، 1383 ه. ق.
13. پاسخ به شبهات عزاداری، حسین رجبی، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی مذاهب اسلامی، 1381 ه. ش.
14. تاریخ الطبری (تاریخ الرسل والملوک)، محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب الآملی ابو جعفر الطبری، چاپ دوم، بیروت، دار التراث، 1387 ه. ق.
15. تاریخ النیاحة، سید صالح شهرستانی، تحقیق، نبیل رضا علوان، بیروت، دار الزهراء، بی تا.
16. تاریخ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب واضح الکاتب العباسی، بیروت، دار صادر، بی تا.
17. تاریخ دمشق، ابوالقاسم علی بن الحسن بن هبة الله (ابن عساکر)، تحقیق: عمرو بن غرامة العمروی، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع، 1415 ه. ق.
18. تأملی در نهضت عاشورا، رسول جعفریان، قم، انتشارات انصاریان، 1381 ه. ش.

19. تذكرة الخواص، سبط ابن جوزي، قم، شريف رضى، 1471 هـ. ق.

20. ترجمه الفتوح، ابن اعثم كوفى، ترجمه: محمد بن احمد مستوفى هروى، تحقيق: غلامرضا طباطبائى مجد، تهران، انتشارات انقلاب اسلامى، 1372 هـ. ش.

21. تفسير القرآن، ابو المظفر منصور بن محمد بن عبد الجبار بن احمد المروزي السمعاني التميمي الحنفى ثم الشافعى، تحقيق: ياسر بن ابراهيم وغنيم بن عباس بن غنيم، چاپ اول، رياض، دار الوطن، 1418 هـ. ق.

22. توضيح المقاصد، بهاء الدين محمد بهائى، به اهتمام سيد محمود مرعشى، قم، كتابخانه آيت الله مرعشى، 1406 هـ. ق.

23. تهذيب الاحكام (تحقيق خراسان)، محمد بن الحسن طوسى، چاپ چهارم، تهران، دار الكتب الإسلاميه، 1407 هـ. ق.

24. الثقات، محمد بن حبان بن احمد بن حبان بن معاذ بن مَعْبِد التميمى ابوحاتم الدارمى، البُستى، وزارة المعارف للحكومة العالية الهنديه، چاپ اول، حيدر آباد هند، دايرة المعارف العثمانية، 1393 هـ. ق.

25. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، محمد بن على ابن بابويه، قم، دار الشريف الرضى للنشر، 1406 هـ. ق.

26. جامع الاخبار، محمد بن محمد شعيرى، چاپ اول، نجف، مطبعة حيدريه، بى تا.

27. الجامع المسند الصحيح المختصر من امور رسول الله صلى الله عليه و آله و سنته و أيامه (صحيح البخارى)، محمد بن اسماعيل ابوعبدالله البخارى الجعفى، تحقيق: محمد زهير بن ناصر الناصر، چاپ اول، دار طوق النجاة، 1422 هـ. ق.

28. الجامع لاحكام القرآن (تفسير القرطبي)، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابى بكر بن فرح الانصارى الخزر جى شمس الدين القرطبي، تحقيق: احمد البردونى و ابراهيم اطفيش، چاپ دوم، قاهره، دار الكتب

29. جواهر الكلام، تهران، دار الكتب الاسلاميه، بي تا.

30. حبيب السير، همام الدين خواندمير، تهران، خيام، 1362 هـ. ش.

31. حقيقة التوسل و الوسيله، موسى محمد على، چاپ دوم، عالم الكتاب، 1405 هـ. ق.

32. الدر المنثور، عبد الرحمن بن ابى بكر، جلال الدين السيوطى، بيروت، دار الفكر.

33. راهنمای حقيقت، جعفر سبحانى تبريزى، تهران، مشعر، 1387 هـ. ش.

34. الرجال (لابن الغضائرى)، احمد بن حسين واسطى بغدادى، چاپ اول، قم، دار الحديث، 1364 هـ. ش.

35. رجال النجاشى، احمد بن على نجاشى، چاپ ششم، انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، 1365 هـ. ش.

36. روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم والسبع المثانى، شهاب الدين محمود بن عبدالله الحسينى الالوسى، چاپ اول، بيروت، دار الكتب العلميه، 1415 هـ. ق.

37. الروح فى الكلام على ارواح الاموات والاحياء بالدلائل من الكتاب والسنة، محمد بن ابى بكر بن ايوب بن سعد شمس الدين ابن قيم الجوزيه، بيروت، دار الكتب العلميه.

38. روضة الشهداء، ملا حسين كاشفى، تصحيح: محمد رمضانى، تهران، كتابفروشى اسلاميه، 1341 هـ. ق.

39. روضة المتقين فى شرح من لا يحضره الفقيه، محمد تقى بن مقصود على مجلسى، تحقيق و تصحيح: حسين موسوى كرمانى و على پناه اشتهاردى، قم، مؤسسه فرهنگى اسلامى كوشانبور، 1406 هـ. ق.

40. زاد المسير فى علم التفسير، جمال الدين ابوالفرج عبدالرحمن بن على بن محمد الجوزى، تحقيق: عبدالرزاق المهدي، چاپ اول، بيروت، دار الكتاب العربى، 1422 هـ. ق.

41. سنن ابی داوود، ابوداوود سلیمان بن الأشعث بن اسحاق بن بشیر بن شداد بن عمرو الازدی السجستانی، بیروت، المكتبة العصرية.
42. السنن الكبرى، احمد بن الحسين بن علی بن موسی الخسروجردی الخراسانی ابوبکر البیهقی، چاپ سوم، بیروت، دار الکتب العلمیة، 1424 ه. ق.
43. سیر اعلام النبلاء، شمس الدین ابوعبدالله محمد بن احمد بن عثمان بن قایماز الذهبی، القاهرة، دار الحدیث، 1427 ه. ق.
44. سیرة النبویه، عبدالملک ابن هشام حمیری، ترجمه: سید هاشم رسولی، انتشارات کتابفروشی اسلامیة.
45. سیمای عقائد شیعه، آیت الله سبحانی، ترجمه: جواد محدثی، نشر مشعر.
46. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، قم، مكتبة آیت الله المرعشی، 1383 ه. ش.
47. طبقات الكبرى، محمد بن سعد کاتب واقدی، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نو، 1369 ه. ش.
48. عزاداری حسین علیه السلام از زمان آدم تا زمان ما، شهرستانی، انتشارات حسینیة عمادزاده، بی تا.
49. فرهنگ عاشورا، جواد محدثی، قم، نشر معروف، 1374 ه. ش.
50. فهرست کتب الشیعة و اصولهم و اسماء المصنّفین و اصحاب الاصول، محمد بن حسن طوسی، قم، رجال، 1420 ه. ق.
51. فیض القدر شرح الجامع الصغیر، زین الدین محمد المدعو بعبد الرؤوف بن تاج العارفين بن علی بن زین العابدین الحدادی ثم المناوی القاهری، چاپ اول، مصر، المكتبة التجارية الكبرى، 1356 ه. ق.
52. الکافی، محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامیة، 1407 ه. ق.
53. کامل الزیارات، جعفر بن محمد ابن قولویه، چاپ اول، نجف، دار المرتضویة، 1356 ه. ش.



54. كتاب المزار - مناسك المزار، محمد بن محمد مفيد، قم، چاپ اول، كنگره جهاني هزاره شيخ مفيد رحمه الله، 1413 ه. ق.
55. اللهوف على قتلى الطفوف، سيد بن طاووس، ترجمه: عبدالرحيم عقيقي بخشايشي، قم، دفتر نشر نويد اسلام، 1378 ه. ش.
56. لؤلؤ و مرجان، محدث نوري، چاپ دوم، انتشارات فراهاني، 1364 ه. ش.
57. مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ابوالحسن نورالدين على بن ابى بكر بن سليمان الهيتمى، تحقيق: حسام الدين القدسى، القاهرة، مكتبة القدسى، 1414 ه. ق.
58. مجموعه مقالات اربعين حسيني، جمعى از نويسندگان، مركز بين المللى ترجمه و نشر المصطفى، 1394 ه. ش.
59. المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقى، قم، دار الكتب الإسلامية، 1371 ه. ق.
60. مختصر تاريخ دمشق لابن عساكر، محمد بن مكرم بن على ابوالفضل جمال الدين بن منظور الانصارى الرويفعى الافريقى، تحقيق: روحية النحاس و ديگران، چاپ اول، دمشق، 1402 ه. ق.
61. مرآة العقول فى شرح اخبار آل الرسول، محمد باقر بن محمد تقى مجلسى، تحقيق و تصحيح: سيد هاشم رسولى محلاتى، چاپ دوم، تهران، دار الكتب الإسلامية، 1404 ه. ق.
62. مروج الذهب و معادن الجواهر، ابوالحسن على بن حسين مسعودى، ترجمه: ابوالقاسم پاينده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر كتاب، 1360 ه. ش.
63. المزار الكبير، محمد بن جعفر ابن مشهدى، تحقيق و تصحيح: جواد قيومى اصفهانى، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، 1419 ه. ق.
64. مسار الشيعة، شيخ مفيد، بيروت، دار المفيد، 1414 ه. ق.
65. المستدرک على الصحيحين، محمد بن عبدالله ابوعبدالله حاكم

نیشابوری، تحقیق: مصطفیٰ عبدالقادر عطا، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیة، 1411 هـ. ق.

66. مسند ابن ابی شیبہ، ابوبکر بن ابی شیبہ عبداللہ بن محمد بن ابراہیم بن عثمان بن خواستی العبسی، تحقیق: عادل بن یوسف العزازی و احمد بن فرید المزیدی، چاپ اول، ریاض، دار الوطن، 1997 م.

67. مسند الامام احمد بن حنبل، ابو عبداللہ احمد بن محمد بن حنبل بن ہلال بن اسد الشیبانی، تحقیق: شعیب الارنؤوط و دیگران، اشرف: عبداللہ بن عبدالمحسن التركي، چاپ اول، مؤسسة الرسالہ، 1421 هـ. ق.

68. مصباح المتہجد و سلاح المتعبد، محمد بن الحسن طوسی، چاپ اول، بیروت، مؤسسة فقہ الشیعہ، 1411 هـ. ق.

69. معالم التنزیل فی تفسیر القرآن (تفسیر البغوی)، محیی السنۃ ابو محمد الحسین بن مسعود البغوی، تحقیق: محمد عبداللہ النمر و دیگران، چاپ چہارم، دار طیبۃ للنشر والتوزیع، 1417 هـ. ق.

70. المعتمر، محقق حلی قدس سرہ، قم، مؤسسة سید الشہدا علیہ السلام.

71. المعجم الکبیر، سلیمان بن احمد بن ایوب بن مطیر اللخمی الشامی ابوالقاسم الطبرانی، تحقیق: حمدی بن عبدالمجید السلفی، چاپ دوم، القاہر، مکتبۃ ابن تیمیہ.

72. مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر)، ابو عبداللہ محمد بن عمر بن الحسن بن الحسین التیمی الرازی (فخرالدین الرازی خطیب الری)، چاپ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1420 هـ. ق.

73. مفتاح الفلاح فی عمل الیوم و اللیلۃ من الواجبات و المستحبات، محمد بن حسین بہایی (شیخ بہایی)، بیروت، نشر دار الاضواء، بی تا.

74. مقاتل الطالبین، ابوالفرج علی بن الحسین الاصفہانی، تحقیق: سید احمد صقر، بیروت، دار المعرفہ، بی تا.

75. مقتل الحسین، عبد الرزاق مقرر، بیروت، دارالکتب الاسلامیہ، 1399 هـ. ق.

76. ملاذ الاخير في فهم تهذيب الاخبار، محمدباقر بن محمدتقي مجلسي، تحقيق و تصحيح: مهدي رجائي، چاپ اول، قم، كتابخانه آيت الله مرعشي نجفي، 1406 ه. ق.
77. منتهى الآمال، شيخ عباس قمي، چاپخانه احمدی، 1368 ه. ش.
78. منهاج النجاح في ترجمة مفتاح الفلاح، محمد بن حسين بهايي (شيخ بهايي)، ترجمه: علي بن طيفور بسطامي، تحقيق و تصحيح: حسن حسن زاده آملی، چاپ ششم، تهران، حكمت، 1384 ه. ش.
79. موسوعة الفقه الاسلامي، محمد بن ابراهيم بن عبدالله التويجري، چاپ اول، بيت الافكار الدوليه، 1430 ه. ق.
80. نزهة الخواطر و بهجة المسامع و النواظر، عبدالحی بن فخرالدين حسنی، حیدرآباد دکن.
81. نزهة الزاهد، مؤلفی گمنام، به كوشش رسول جعفریان، چاپ اول، دفتر نشر ميراث مكتوب، 1376 ه. ش.
82. نفس المهموم، شيخ عباس قمي (محدث قمي)، منشورات ذوی القربى، 1379 ه. ش.
83. نور العين في مشهد الحسين، ابراهيم ابواسحاق اسفراينی، بيروت، مكتبة التعاون، بی تا.
84. الوافي، محمد محسن بن شاه مرتضى فيض كاشاني، چاپ اول، اصفهان، كتابخانه امام امير المؤمنين علي عليه السلام، 1406 ه. ق.
85. وسائل الشيعه، محمد بن حسن عاملی (شيخ حر عاملی)، چاپ اول، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام، 1409 ه. ق.
86. هداية الامة الى احكام الائمة عليهم السلام، محمد بن حسن عاملی (شيخ حر عاملی)، تحقيق و تصحيح: بنياد پژوهش های اسلامي آستان قدس رضوي، چاپ اول، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوي، 1414 ه. ق.
87. هدية العارفين، اسماعيل باشا بغدادی، بيروت، دار الفكر، 1402 ه. ق.

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود. برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

